مهيلعلاوه

نامزمامىقيقحتفرعم

ىهلاتيلاونا كرا تخانشابتيلهاجزا روبع

ىرمقىرجه 1432 لاسـ نابعشه مينز

تاناييد

ىنارهطىنيسحنسحمدمحمديسجاحللهاةيآ

ةّرسهّللاسّدق



أعوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيم

بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيم

و صلَّى اللهُ علىٰ سيِّدنا و نبيِّنا أبىالقاسم محمدٍ

و علىٰ آلهِ الطّيبينَ الطّاهرين

و اللعنةُ علىٰ أعدائهِم أجمَعينَ

معنای جاهلیّت

روایتی است که می‌فرمایند:

«مَن ماتَ و لَم یَعرِف إمامَ زمانِهِ ماتَ میتةً جاهِلیّةً»؛[1] کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد مرگش مانند افرادی است که در جاهلیت (در زمان قبل از ظهور اسلام) زندگی می‌کردند و از دین می‌رفتند.

شما فرط رد أعبط و مما هدینش ار تیاور نیا همه ی خربی ار به لئسم نیا دیاشی تح و مما هدر کل مأتم ه هنت یاور نیا .دشاب دعبتسم و ب رغتسم ی ردق ام زا نیا ی نعی ،تسا رتاوتم هکلب ،دشاب ضیفتسم هکنیا الدیپ ار نآ رقئ یآ مکح هکت سا هدش لقنت اور زا ردق رتاوت نیا هتبلا !تسا هدش نآ رقئ یآ ل ثم و تسا هدرک ی ونعم رتاوت هب دسر هچ ات ،تسا نآ ی ظفل![2]

---

[1] .296 ص ،رثلأا ةیافک .

[2] ع وجر ی ونعم و ی ظفل رتاوت ثیح زا تیاور نیا دنسز اع لاطا تهج . .22 ـ 13 ص ،3 ج ،ی سانشم اما هب دوشر

دندمآی ماینده بت یلهاجنامزرد هکی دارفالاح

هکدندوبی ناسکه چدنتفری ماینده زاو

:دندرکی متبرگه بمدنزار نارتخدو دندیتسرپی م

﴿تَلِتُلۡبۡنَذِّیَأِبۡ*تَلِئُسۡۥُهَدُۡءۡوَمۡلۡآاذَإِوَ﴾[1].

﴿ۡهَدُۡءۡوَمۡلۡآ ینعی آن دخترتزنبمدنزهگرهب لاحرد.

ار دوخ ۀلاسجنپو ه لاسرا هچ رتخد ی درم ی نعی

ی لیخ !درکی م رگه بمدنز درکی م ه یرگ هکی لاحرد

:تسا تیاور رد !تسا بیجع

ربمغیپ هب ار شدوخ رتخد نکرروگه بمدنز لاح حرش و دمآ ربمایپ شیپ یصخش
ی اهتسد اب نم رتخد نیا و مدرک روگه بمدنز ار مرتخد روطچ نم هک تفگی م
نانشامشچ زا کشا ربمغیپ روطنیمه و !درکی م کمک ربق ندنک رد ارم شکچوک
!دمآی م[2]

دناوتی منزلاصا مدآ و تسا بیجع ی لیخ ،هلب

اهنیا تیلهاج !؟دوشی م روطچ رخآ هک دنک روابو دندرکی مت سرد تبی یاذغ داوم و امرخ زا !دندوب

نایادخ و دندرکی م هلمح دمآی م ی طحق هک ی تقو

اجره ی سک ره هب لاح [3]؛دندرکی م لوانت ار دوخ

هصلاخ ،شمد ی کی ،اپ ی کی ،شرس ی کی :دیسر

---

[1]: 293 ص ،4 ج ،ی سانشدا عم .9 و 8 هیآ (81) ریوکتهروس .

هبهک * دوشهدیسرپم وصعم ئدش روگه بمدنز نارتخد زا هک ی تقو نآ رد و»
«!؟دنامدشهتشک ی هانگ هچ

[2]. 300 ص ،14 ج ،ی ناغلأا .

[3]. 621 ص ،هبیتقنبا ،فرا عملا .

!تشاد هکی ّظح و بیصن ابب سانتم یسکره
مینکن لایخ هتبلا !دوبدی روطن یا تیلهاجت ّیعضو
نایمرد ،ریخهن ،دوبب ارعانایمرد طقفه ّیضقن یا هک
نیمهمهمهش سرف ریغ نایمرد ،دوبن یمهمهش سرُف
.درادنم هب ّجعتی اجی لیخ و ،دوب

تیلهاجت ،امن زامن زلآن دینکیم لایخ امشد
هبن دیسر و رکفتو ل ّقعتو رکفن امن زلآن و تسینت مدخ ،ریخهن !؟تسایناسنا یاهشزرا و جرادم
زورما رشبهبا مرگا هکماهدرکض رعن اتسود و اقفر
یمماجنا رشبن یا ئطساوهبه زورما هکی یاهتیانج و
راتفر ءوسو یقلاخ ریغ یاهراکو اهتحاقو و دوشد
یهاگن ،دوشیم هدهاشم اهنآ زا هکی ایواسَم و
هکی یاهنآ هبم یتسرفیم تمحر دص ،میزادنیب
ًلابق ار اهنیا زا یرادقم !دندوبش یپ لاس 1400
متاجتشونزا یضعبرد و ماهداد حیضوتاقفر تمدخ
.[1]ماهدرکض رعم ه

نامز ماما هبتفرعم یانعم

دوخ نامز ماما و دریمبهکی سک» ئرقفن یا لاح

---

[1]. 292 ص ،یحو قفا .

ةجحت رضح ؟تسیکام ماما ؟هچ ینعی «دسانشنزار
!سب و تسا ءادفلا هلانحاورأ یدهملا نسحلا نبا
ار شنامز ماما هکتسیک .تسا ام ماما ناشیا
همانسانشدسانشن ؟گرم خانشن تخانشد ماما نامز
مهدزای ماما ردپ مینادیم همه ؟تسا ی ا
ام ئمهار ن یا .تسا م لاسلا هیلع ی رکسع ت رضح
ی م مه اهی یاهب و ی راصنو دوهی ی تح ،مینادیم
رگا .دنادنزی سکه کتسینی مهم زیچه کن یا !دنناد
همانزور کی امشس پ ،تسا ن یا ت رضح روظنم
رارق هکی ماما ن یا هکدیسیونب نآ ی لاابو دیرادرب
،مینسه تیلهاج تومرد لاإو مینسانشب ام تسا
س جرن ت رضح ش ردام و ی رکسع ماما ش ردپ
ماما اب ناشیا جاودزا و ن دمآ نایرج و تسا نوتاخ
نامز رد هکتسا هدش رکذ خیراوت رد مه ی رکسع
دوب هدش ی گنج ـ ی لعف ی ایلاتیا ـ مور رد ی داه ماما
ی تامدقم اب و هدش ریسا نوتاخ س جرن ت رضح و
هحفص مین زا ب لطم ّل ک ،بوخ رایسب [1] .دوب هدمآ
؛مینیمهف ار ن یا مه همه و دنکی منز واجت رتشیب

---

[1] .423 ـ 417 ص ،2 ج ،ن یدلا ل امکه بدوشع وجر .

ی ب ،ی یاهبریغ ،ی یاهب ،س وجم ،ربگ ،ی راصن ،دوهی
رگید س پ ،م یدیمهفه مه ...و ت سینومک ،دحلم ،ن ید
!درادن دوجو ی تیلهاجچ یه رگید و م یرادن ی لکشم

ش ردپ ی گلاس 5 ن س ردت رضحه کدیسیونب دعب
دیناسر ت ماما ۀبترمه بار وا دنوادخ و داد ت سد زا ار
ت بیغ ن امز رد و دوب وا ی ارغصت بیغ م هل اس 75 و
ه صاخ ب اُون رفن 4 ط سوت دارفا ا ب ش طابترا ی رغصم
ن ب ن یسح ،ن امثع ن ب دمحم ،دیعس ن ب ن امثع :دوب
زا ی عیقوت دعب ه ک ،ی رُمَس دمحم ن ب ّی لع و ح ور
دمآ ی رمس دمحم ن ب ّی لع ب ناج ه ب ت رضحم ف رط
:دنیامرف ی م ت رضحه ک

«دعب و ن کب ار دوخ ت ّیصو و دنام ی هاوخ ن یقاب ایند ن یا رد وت رگید زور ش شد اتا.»[1]

ه رخلأا ب .م یدیمهف م ه ار ن یا ه مه ،ب وخ رایسب
[2]دنام ه تشون خ یرا وت و اهب اتک رد و م یاه دوب اهربنم ی اپ
ه مادا ی ربک ت بیغ م ه ن لآا ات ه ک م ینادی م ام ۀمه و
و دشد دهاوخ ه چ ش روهظ ن امز ات ه ک م ینادی م .درادن
ی ارب ،ن ایعیش ریغ ه چ و ن ایعیش زا ه چ ،م ه ی سک ره

---

[1]. 516 ص ،2 ج ،ن یدلا لامک .

[2] ۀجح ت رضح ی اهی گژیو و ت ایصوصخ ن وماریپ رتشییع لاطا ت هج .
،ن یدلا لامک ه ب دوشع وجر ه جرف ' ی لاعتلله ا ل ّجع ی رکسعلا ن سحلا ن ب ا
.434 _ 424 ص ،2 ج

ءانثتسا نودب همه درک نییعت خیرات تردص روهظ و دنتشاذگ هلاکار م درم رس مه همه و دمآرد غورد دنتشاذگ راکرس ار همه!

س پ ،م یراد ام ئمه هّللدمحلا هکت سا ی تفرعم ن یا للهادمحب و م یرادن ی لکشم و دش م امت ام راک رگید ه ن و م یتسه ی لها جت وم رد ه ن رگید ،م یریمب ام رگا !م یراد ن امناصقن و ن امنید رد ی اه غدغد و ی نارگن م ها هنآ !؟درک ی قرف ه چ اهی حیسم ن ییو ام ن ییس پ ردق ن یمه طقف ت فرعم ایآ !دننادی م ار ن یمه هک !؟ت سا

ـ دارفا ریاس هب دسر هچ اتـ امش زا ن م لاح ی نید م لاع ک ی ن ییو ن امز م اما ن یی :م نکی م ل ائوس و ی نید ل ئاسم رد هک ی دارفا هب م یرادن ی راک لاح) ی م ه مه ؟ت سا ی قرف ه چ (دناه درکن اکن ادنچ ی م لاع زا ش ردام ،ت سیک ش ردام ،ت سیک ش ردپ هک دنناد و ی داه م اما اب ش طابترا ئوحن ،ت سا هدمآ اجک دنچ رد ،دوب ی تیفیک هچ هب ی رکسع م اما ش دنزرف س جرن ت رضح و داد ت سد زا ار ش ردپ ی گلاس ی م ه مه ار اهنیا ؛ت فر ادخ ت محر هب ی ک ن وتاخ

!دننادی‌مم‌هن‌ّنستل‌ها و ی‌راصنو دوهیی‌تح ،دننناد
ن‌ّنستل‌ها زا و دنتسه ءارماس رد نلآا ه‌ک ی‌یاهنیا
،دننادی‌مار اهنیا ه‌مه !؟دننادی‌مذار اهنیا رگم‌دنتسه
ن یا ه‌ّللدمحلا س‌پ ،ب‌وخ‌ی‌لیخ !امزا رتهبی‌تحدیاشه
!م‌ینادی‌م ه‌مه‌ار

ف‌رح‌ن‌یا :م‌ینکی‌م رتقی‌قد ار ب‌لطم‌ی‌ردق‌لاح
ی‌نلاف و دنکی‌م روهظ ت‌قو ه‌چ ت‌رضح ه‌ک ی‌یاه
و ی‌اه‌درخ و دصراهچ و رازه‌ل‌اس ه‌ک ت‌سا ه‌تفگ
ه‌مه ...و ی‌اه‌درخ‌و رازه‌ل‌اس‌ه‌ک‌ت‌سا ه‌تفگ‌ی‌رگید
ه‌ب و ،دمآرد غ‌ورد اهنیا ئمه‌ن‌وچ ،م‌یرادنگب رانک‌ار
.م‌ینک‌ه‌اگن‌ه‌لئسم‌ه‌ب‌رتقی‌قد ی‌ردق ،اهف‌رح‌ن‌یا ی‌اج
:م‌نکی‌م‌ل‌اؤس‌ه‌مه‌زا ًلاصا ،م‌نکی‌م‌ل‌اؤس‌امشزا ن‌م
م‌اما ی‌عّدم‌ردقن‌یا ه‌کامشه‌کدسرپیامشزا ی‌سکرگا
ی‌اهب‌ش و دینزی‌م ه‌نیس‌وا ی‌ارب و دیتسه ن‌اتنامز
ی‌نامز م‌اما ن‌یا ،دیریگی‌م ن‌شج‌وا ی‌ارب‌ن‌ابعشئمین
و دنکی‌م امشی‌ارب‌ی‌راکه‌چ ت‌سا ت‌بیغس‌پ‌رد ه‌ک
ی‌نید م‌لاعک‌ی‌ن‌یی‌و وا ن‌یی‌رگم‌و ؟درادی‌اه‌دیاف‌ه‌چ
م‌لاعک‌ی‌ ،دیوگی‌م م‌اکحا وا رگا ؟ت‌سا ی‌قرف ه‌چ
املع ه‌مهن‌یا !دیوگی‌م ار م‌اکحا ن‌یمه م‌ه ی‌نید
ار ب‌لاطم و دنیوگی‌م م‌اکحا دنراد ه‌مه ه‌ک دنتسه

ی م ن یا ر گا !؟ت سا ی قرف ه چ س پ !دننکی م ن ایب
ه ک ن لآا ،دیوگب ش ّدج و ربمغیپ ت عیرش زا دهاوخ
م یدینشنذاهی ضعبزا رگم !ت سا ت بیغرد و دیوگی مذ
ی راک ن یمه دنک روهظ م ه ن امز م اما ر گا» :دننتفگ ه ک
ل حل کشم رگید س پ« !م ینکی م م یراد ام ه کدنکی م ار
ی م م اکحا ن ایب ام !دش ام ل ثم م ه ن امز م اما و دش
ام ا ب س پ ،دنکی م م اکحا ن ایب دیایب ر گا م ه وا ،م ینک
م اما رس ی ور م یهاوخب ر گا لاح !درادن ی توافت
اهنت م ییوگی م ،م یرادنگب م ارتحا و ت ّزع ی لیخ ن امنامز
وا ی اعد ادخ دنکاعد ر گا وا ه ک ت سا ن یا ام ا ب ش قرف
م ه ام ؟م یتسیز روطن یا ام ر گم .دنکی م ب اجتسم ار
ی م ب اجتسم ار ن امیاعد دهاوخبادخ و م ینکاعد ر گا
ه چ س پ !دنکی مذ ب اجتسم م ه دهاوخن ر گا و دنک
؟ت سه ی قرف

ی ارب ن امز م اما ی رهاظ ت خانش ت یاف ک م دع

ت یلهاج زا ج ورخ

م ینادب ا تم نکی م ض رع ا مش ت مدخ ار ه ّیضق ن یا
م یمهفب ار وا ت برغ و ت سا ب یرغ ن امنامز م اما ارچ
رد ه مه ارچ م ینادب و ت سا ل وهجم وا ارچ م ینادب و

:مهیتسه تیلهاج

دلاو موحرم تمدخ رد بش کی
هام مهتشه و تسیب بش رد ـ هیلع لهاا نانوضر ـ
لزنم هب دهشم رد ،اهدخ لوسر تداهش بش ،رفص
تسا هدرک توف هک دهشم فورعم یاملع زا یکی
بش .دندوب اجنآ رد مه نایاقآ زا یاهّدع .مهیتفر
دندوب هدمآ اجنآ یتاجهتسد و دوب ینزهنیس و هضور
.دندوب ینزهنیس لوغشم و دندوب فارطا زا اًرهاظ هک
.دندادن ماجنا ار ناشینزهنیس اهنآ هکنیا اتمهیتسشنام

و مهلاع یدرمریپ .تفر ربنم هناخبحاص دوخ
دوب هتفر ربنم نمانشآ هکعقوم ار دوخ دوب هدناوخ رس
.تشاد نس لاس داتفه زا شیپ درکیم تبحص و
کی دوجو دوب تبحصشوخ و مرتحم ردی
هبش تبحص مهم تبحص درک .درمضن تبحص
ارجریناشا هرکد هک دهشبنه دوخ مهم ینامطلب
.مدوب هدید دوب مه ینقیضه ار درک تاب خوناه
:دوب رارقرب ینامطلب زا

در زمان سابق، ظهاراً حدود صد سال پیش، شخصی در اصفهان به نام صدر اصفهانی بود که اموراتش اصفهان در دست او بود. او مردم معروفی بود، خیلی متموّل بود، محل رجوع افراد بود، اهل خیر بود (که آنهم برای خودش یک اداتاتی دارد که حالا به صحّت و سقم آن کاری ندارم)، اهل تسلیگری بود، فقرا و غیره از اطراف به او مراجعه میکردند و او هم تا آنجایی که از دستش برمی آمد رفع حوائج آنها را میکرد.
حیاط وسیعی داشت. یک روز در ایوان منزلش نشسته بود، دید یک سید بلهه دم در آمد و داخل حیاط شد، قدری جلو آمد، ولی دوباره برگشت و رفت. تعجّب کرد، با خود گفت: اگر این با ما کاری داشت چرا بالا نیامد؟ چرا داخل نیامد؟ این قضیّه دوباره تکرار شد. دید همان سید آمد و همینطور برگشت. بر تعجّب او اضافه شد تا فردا هم این قضیّه تکرار شد. دید همان سید آمد و همینطور برگشت. بر تعجّب او اضافه شد تا اینکه روز سوم به یکی از اطرافیانش گفت: دو روز است این قضیّه تکرار شده است؛ اگر امروز این بلهٔ سید آمد، بگذار برود، جلویش را بگیر و پیش من بیاور تا ببینم

چه می‌خواهد و مطلب او چیست. روز سوم تکرار شد، این طلبه آمد و همین‌که خواست دوباره برگردد، این شخص رفت و چلویش را گرفت و گفت: جناب صدر شما را دیده است و شما حتماً باید برای دیدن ایشان بروید. او هم آمد.
صدر اصفهانی به او گفت: من می‌بینم که شما سه روز است صبح داری اینجا می‌آیی و بعد می‌روی؛ قضیه چیست؟
خجالت کشید، ولی بعد گفت: قضیّه این است که مدّتی قبل، یک روز که من داشتم به درس می‌رفتم، در راه چشمم به دختری افتاد که بسیار صاحب جمال بود و دیگر در هوای او بسر می‌برم. وقتی این مسائل را با مادرم مطرح کردم، او گفت: هیهات، این فلانی است و دختر فلان کس است که از تجّار معروف است! تو کجا و او کجا؟! خلاصه، من دیگر در یک اوضاع بسیار نامناسبی قرار گرفته‌ام و یأس بر من حاکم شده است و دیگر کاری نمی‌توانم بکنم!
صدر اصفهانی به او گفت: شما فردا صبح اینجا بیا.
صدر اصفهانی آن شخص تاجر را می‌شناخت. فردا صبح همراه با آن طلبهٔ سید حرکت کرد و سوار کالسکه شدند و کنار در منزل همین تاجر معروف آمدند و در زدند. او در را باز کرد، دید که صدر اصفهانی، حاکم اصفهان و مرد خیلی معروف و مشهوری است. گفت: بفرمایید! آمدند. وقتی که نشستند و صحبت به تعارفات و احوالپرسی گذشت، صدر گفت: من برای مطلبی در اینجا آمده‌ام و چیزی می‌خواهم به شما بگویم. گفت: چیست؟
گفت: اگر رسول خدا در اینجا بیاید و از شما تقاضا کند که برای فرزندش می‌خواهد خواستگاری کند و طلب مواصلت با دخترتان را داشته باشد، شما چه می‌کنید؟
گفت: اگر رسول خدا باشد روی چشمم می‌گذارم! چه افتخاری بالاتر از اینکه این وصلت با پسر پیغمبر باشد و او بیاید!
گفت: بسیار خوب، حالا من به نمایندگی از رسول خدا در اینجا آمده‌ام و می‌خواهم دختر شما را برای فرزند رسول خدا خواستگاری کنم!
این خیلی مبتهج گفت: بسیار خوب، ولی قدری احتیاج به تمهید مقدّمات دارد و بالأخره با رسول خدا کمی فرق می‌کند.
گفت: در اینجا دو مطلب است؛ یکی مسئلهٔ معیشت و زندگی اینها است و مسئلهٔ دوم هم خواست خود شما و دختر شما است. من مسئلهٔ اوّلی را که زندگی اینها است تأمین می‌کنم و منزلی به او می‌دهم و زمینی هم در فلانجا برای زراعت و خدمه‌ای هم برای کار می‌دهم و مهرش را هم فلان مقدار قرار می‌دهم و می‌پردازم. این چیزی است که از من برای این برمی‌آید. مسئلهٔ دوم می‌ماند که خواست شما و خواست دختر شما است.
می‌گوید: خب اگر اینطور است ما حرفی نداریم! همانجا در همان مجلس، این عقد خوانده می‌شود و جناب داماد و عروس خانه به خانهٔ بخت می‌روند.
همه‌چیز هم آماده شد و مسئله تمام شد.

این کار خیلی خوبی است، بسیار بسیار کار

صحیح و درست و مورد رضای الهی است و باید

همین‌طور هم باشد. اما تا اینجای قضیه مطلبی

نیست، بلکه از اینجا به بعد مورد نظر است:

صدر اصفهانی فوت می‌کند و به رحمت خدا می‌رود و او را به وادی‌السلام نجف می‌آورند و آنجا دفن می‌کنند. این طلبه هم طبعاً درس می‌خواند و از علمای معروف اصفهان و صاحب مسجد و محلّ مرجعیّهٔ افراد می‌شود.
در یک سفر زیارتی که او به همراه خانواده‌اش برای زیارت به نجف می‌رود، با بعضی از دوستانش در این سفر همراه می‌شود. موقع عصر که می‌شود این دوستش به او می‌گوید: برخیز غسل کنیم و به زیارت امیرالمؤمنین برویم.
او می‌گوید: شما بروید من بعداً می‌آیم. آن رفیقش غسل می‌کند و حرکت می‌کند و به زیارت می‌رود و می‌بیند که او قدری دیر کرد و برای غروب آمد! به او گفت: کجا رفته بودی؟ ما در حرم نشسته بودیم و منتظرت بودیم! گفت: من نَیّتی به گردنم بود، اوّل رفتم آن نَیّت را ادا کردم، بعد به زیارت آمدم. گفت: چه نیتی بود؟ او این جریان را برای دوستش تعریف می‌کند که من در زمان جوانی اینطور بودم و صدر اصفهانی این کار را کرد و من دیدم که شایسته نیست با این لطف و محبّت و کرامتی که این شخص در حقّ من انجام داده است، من در اینجا اوّل به زیارت او و سر قبر او نروم! لذا به آنجا رفتم و نیم ساعتی در آنجا بودم و فاتحه خواندم و آن دین خودم را نسبت به او ادا کردم، بعد برای زیارت امیرالمؤمنین آمدم!

این‌ها مثال‌هایی بود که عرض کردم تا

بگویم که ما در این مجالس عزاداری

سیّدالشهداء علیه‌السلام که اجتماع می‌کنیم

و گریه می‌کنیم و عزاداری می‌کنیم، این

مجلس، این عقد اخوّت و برادری است

که ما با امام حسین علیه‌السلام می‌بندیم!

ب شد ن آ ه ک ی س ک ن آ :ت س ا ن ی ا ر د ت ب ح ص ل ا ا ح
ب ل ط م ن ی ا ،ت ف گ ی م ا ر ه ّی ض ق ن ی ا ت ش ا د ر ب ن م ی ل ا ا ب
ت ق و ر ه ه ک م ر ا د ن ق ح ن م ل ا ا ح» :ت ف گ و د ر ک د ی ی أ ت ا ر
!د ی ن ی ب ی ا ر ت ف ر ع م «؟م و ر ب ا ج ن آ ل و ا م ی آ ی م

د ی س و د و ب ه ت س ش ن ا ج ن آ ر د ه ک ی ی ا م ل ع ز ا ی ک ی ه ّت ب ل ا
ی و ل ج د ن ل ب و د ش د ن ل ب ش ی ا د ص ه ب ت ر م ک ی ،د و ب ی ل ض ا ف
ن ی ا « !د ی ی ا م ر ف ی م ت ِب ث م ل ص ا ،ر ی خ ه ن» :ت ف گ ت ّی ع م ج
ی ل ا ض ف و ن ا ت س و د و ت س ا ن ّی ی ل و ص ا ح ل ا ط ص ا ک ی
ً أ ع ر ش و ت س ی ن ز ی ا ج ت ب ث م ل ص ا ه ک د ن ن ا د ی م ه ب ل ط
و ط ی ا ر ش ا ب ل ا ا ح ه ّت ب ل ا ،د ر ا د ن ذ ر ا ب ت ع ا و ت ی ّ ج ح
.[1] ت س ا ل و ص ا ث ح ا ب م ه ب ط و ب ر م ه ک ش ت ا ّی ص و ص خ
و د ن د ر ک و ر ن م ه ب ا ق آ م و ح ر م م ی د م آ ن و ر ی ی ه ک ی ت ق و
«!؟ی د ی د ت ی ل ا و ه ب ت ب س ن ا ر م د ر م م ه ف» :د ن ت ف گ

م ل ا ع ن آ ر ا ک د ر ا د ا م ا ،ت س ا و ا ّ ن س ل ا س د ا ت ف ه
،د و ب ه ت ف ر ا ج ن آ ه ب ه ک و ا ،ه ل ب ه ک د ن ک ی م د ی ی أ ت ا ر ن ا ه ف ص ا
ن ی د ن آ و ق ح ن آ د و ر ب د ی ا ب ل و ا .د و ب ق ح ش ن د ر گ ه ب
م ه ت ر ا ی ز ک ی ل ا ا ح ،د ر ک ا د ا ه ک ی ت ق و د ع ب ،د ن ک ب ا د ا ر
ا م ن د ر گ ه ب و ت س ا ن ی ن م ؤ م ل ا ر ی ا م ه ن آ ه ر خ ل أ ا ب ؛د و ر ب

---

[1] .450 ص ،ة م ا ع ا ل و ص ل أ .

و ەدز ریشمش و ەدرک گنج ەرخلأاب مه وا !دراد قح

!تسا ەتفر نوخ وا زا

:دندومرف اقآ موحرم

[1] نآ ردصم دنک ادیپ یجراخ و ینیع قُقحت دوجو ملاع رد یریخ رهەک دننادیمن اهنیا
!تسا تیلاو ،ریخ

کی یتح دناوتیمن اًدبا یناهفصا ردص ینعی

!دهدب ماجنا نامز ماما ۀدارا نودب ار اهنیا زا مرازه

ندرگ ەبقح !؟فاصنایب یا یوگیم یراد ەچ سپ

یمذ یحّیلو ۀدارا نودب یناهفصا ردص !؟تسا وا

نآ رد !دنکرکف دناوتیمن یتح !دنزب مه ەب ەژم دناوت

ردص یسک ەچ ،دمآ اجنآ رد ەبلط نآ ەک یتقو

نآ ەب ار شمشچ و دناشن ناویا نآ رد ار یناهفصا

یمذ رکف شلئاسم نیا ەب یسک اما !؟تخادنا ەبلط

.دنک

مسرپیم ەکنیا ،دینیبب !تسا نیمه مه اه ەاگدید

نیمه رطاخەب ،تسا یقرف ەچ امنییو نامز ماما نیب

ملاع کی !میتسه نیمه ام مه نلاآ نوچ ،تسا ەّیضق

:دسیونیم ماما ملع ەب عجار شباتک رد

!دنادیمن دهاوخن ادخ رگا و دنادیم دهاوخب ادخ رگا ؛تسا ام ملع لثم مه ماما ملع

[1] :ەرییبک ۀعماج ترایز زا یزارف ،616 ص ،2 ج ،ەیقفلا هرضحی لا نم .
«ِإن رَکُذ رَیَخلا ُرتُنک مُتنک ُهَلّوأ و ُهَلصأ و ُهَعرف و ُهَندِعم و ُهاوأم و ُهاهتنُم.»

[1] !درادذ ام ام ابی‌توافتچیه و

ی‌مذی‌قرف و ت‌سا ی‌کیی‌ربنم ن‌آ ام‌ه‌دنسیون‌ن‌یا

!دننک

دوجو ام‌ادخل‌وسر ه‌ب‌نانامل‌سم‌ت‌فرعم‌مدع

ت‌رضحام‌ابی‌رهاظ‌ت‌رشاعم

ل‌وسر دوخ ه‌ب‌ع‌جار :ت‌سا ن‌یا ن‌م ل‌اؤس لااح

اتت‌رضح ن‌آ ن‌امز زا ل‌اس 1400 ن‌یا امشد، ادخ

؛م‌یوشی‌مادخل‌وسر ن‌امز رد ام‌ن‌لآا، دیرادربار ن‌لآا

ع‌لاطا ردقچ ام لااح ؟م‌یراد م‌لع ربمغیپ ه‌ب ردقچ

ربمغیپ ؟م‌یراد ربخ ربمغیپ ت‌یلاو زا ردقچ ؟م‌یراد

دراد ی‌نیب و دراد م‌شچ ربمغیپ !م‌یراد م‌ه‌ام، دراد وربا

ت‌شوگ‌و دروخی‌م‌ن‌اذ‌و دروخی‌م‌اذغ‌و دراد ن‌اهد و

ی‌م‌م‌ه‌ام، دروخی‌م‌غ‌ود و دروخی‌م‌ریشو دروخی‌م

؟درکام‌ابی‌قرف‌ه‌چ‌س‌پ !م‌یروخ

ن‌املکشم ه‌ک م‌یمهفب و م‌یورب رکف رد دیاب

زور رهایآ ؟م‌یتسین‌آ ن‌امرد ل‌ابند ه‌بارچ‌و ت‌ساجک

ایند ن‌یا رد ادخ ی‌نعی !؟دوشب ه‌فاضا ام‌ل‌هج ربدیاب

---

[1] دیواج‌دیهش؛182 ص ،1 ج ،م‌لاسلإا ع‌یارشح‌رشی‌ف م‌لاکلا رهاوج .
و 459 ـ 451 ص ،ی‌دابآف‌جن‌ی‌حلاص ،م‌لاسلا ه‌یلع ی‌لع ن‌ب ن‌یسح
.536 ـ 533 و 499 و 498

هفاضا املهجطقفاًمئاد هکتسا هدرکریدقتامیارب
!؟تسا هدشهفاضانامللقعهبردقچلاحاتا!؟دوش
نیمهدسرمرظنهبمینیبیممیرادامهکیلقعنیا
،مدرکضرعهابتشا،هنیلو!دوشیممکدرادروط
الدیپدرادیاههنزورو تسهیاهترابشبللهاءاشنإ
.دوشیم

ردلاسهسو تسیربمغیپ:دینکهّجوتبوخ
یلو،دندیدمههمهودرکرمقلاّقش.دوبمدرمنایم
هامامیاملعزاکیمادک.میدرکذارمقلاّقشنیا ام
نیاو تسا هدرکنسکچیه!؟تسا هدرکفصنودار
هامفصنودرکرمقلاّقش.دوبربمغیپراکطقفراک
هبعکرود،رود تفههامرگیدفصنو تشادهگذار
هکدننیبهکنیایاربدعب!دندیدمههمهودرکفاوط
نوریدحبصدشابن...و رحسو هدبعشتقوکی
امهکدنتفگمهاهنآ،دندیسرپاهناوراکزاودنتفر
.درکارراکنیا ترضحس پ[1].میدیدمه

و دنادرگبار دیشروخنینمؤملاریما،وا یصو
ار دیشروخترضحروطچهکدندیدهمهمهارنیا

---

[1].142ص،1ج،حئارجلاوجئارخلاهبدوشعوجر.

دجسم [1].دندناوخ ار رصع زامن و دندنادرگرب
نآ فسلأع می‌لو ،دوبشیپ‌لاسدنچ اتس‌مشلاّدر
زا ی‌مسا اتدندرک تلافسآ و دندرک بارخ ار
رد ه‌کدرادذل‌اکشا رکبوبا و رمع !دنامنن‌ینمؤملاریما
الذل !دشابدیابنی‌لعم‌سا ی‌لو ؛دننکرپارم‌لاعراوید و
!دشابنی‌رثا اتدندرکتلافسآ ارس‌مشلاّدر دجسم

داد تداهشربمغیپ تلاسر هب هزیرگنس [2].
رهًلاصا [3].دندادتداهشربمغیپتلاسر هبتاناویح
هدرکل‌قنبتکرد ارامهنیا !دوبهزجعمک‌یربمغیپِزور
ی‌م ایم‌یاه‌داد ماجنا ام ار اهراکن‌یا زا ک‌یم‌الدک .دنا
!؟م‌یهدب‌ماجنا م‌ینابوت

ماجنا ی‌یاهراکن‌اگرزب و افرع و الدخ ی‌ایلوا ،هلب
نآ ،تردنه‌ب ی‌لیخ هّتبلا ،دنتشاد ی‌تامارک و دندادی‌م
ی‌ارب ی‌صاصتخا روطه‌ب هکلب ،همه ی‌ارب هن م‌ه
نامز رد ار امهنیا زا دروم اهدد م‌ه ام .رفذ ود ی‌کی
رد ه‌کدوبنروطن‌یا ن‌کیلو ،م‌یدید دلاو موحرمت‌ایح
ی‌م نامتک و افخا ش‌اهمه هکلب ،دوشن‌لاعا همانزور

---

[1].204 و 203 ص ،1 ج ،هیقفلا هرضحیلا نم هبدوشع‌وجر .
[2].283 ص ،ی‌سوطخ‌یش ،ی‌لاملأا ؛47 ص ،1 ج ،حئارجلا و جئارخلا .
[3].41 و 38 ص ،1 ج ،حئارجلا و جئارخلا .

هدالدز مامجنا مهار اهراکن یا زا یکیی تحام اما .دشد

.دوبر هاظل ئاسمه بطوبرمن یا !مییا

رد و دوبم درمن ایمرد لاسه سو تسیدربمغیپ

رد هک دوبز روطن یا .دروخ مهریت اهگنج مامت

هز !دیگنجب دییامرفب :دیوگبم درمه بو دنیشنبی رانک

!دندز ربمغیپ نیمهه بریشمشو ریت ردقنآ ،ریخ

مهنیبب اری راغ نآ متساوخیم نم هک دوب اهلاسا

،دندرک رارف همهه ک ی تقو ،دحا گنج رد هک

زا و دنتشاذگ ناششود ی ور ار ربمغیپ نینمؤملاریما

.دندرب راغ نآ هب نیکرشم س رت[1]

اهنآ هبو دندوب هتشاذگ لاابن آ ار رفذهاجنپ ربمغیپ

«!دییایز نییاپ لاابن آ زا ،مهتفگ نم ات» :دندوب هتفگ

بجاو ش ملاک رگم !؟دوبز الدخ ربمغیپ وا رگم

!؟دندوبز ربمغیپ باحصا اهنیا رگم !؟دوبز هعاطلا

گنج هبو دندوب ربمغیپ لابند و دندوب نامل سم اهنآ

هدمآ ندروخ اولح یارب هکنیاهز ،دندوب هدمآ مهه

نم ات و دیشاب لاابن آ» :دیوگیم تسرضح !دنشاب

تمیزه رأفک ه ک دندید ات اما «!دییایز نییاپ مهتفگ

---

[1]. 94 ص ،ی فوکلا تارف ریسفت؛ 116 ص ،1 ج ،ی مقلا ریسفت .

ملاک و دنتفرگ ار مئانغ تسا متبوذ و دندرک

!؟نانملسم دوشیم نیا !دنتشاذگ اپ ریز ار ربمغیپ

!هچ ینعی «ِهِنامز َمامإ فِرِعَی مَل و َتامن َم» دینیب

مه ی تسیابردور چیه و میتسه اهنیمه نیع مه ام

تابثا مه اجهمه رد ار هلئسمنیا هّللدمحلا و !میرادن

مه رد غارس و دنتشاذگاپ ریز ار ربمغیپ ملاک !میاه درک

؛دندمآ نییاپ رفنه ذو ی س !دنتفر ه رقذو لاط و رانید و

اپ ریز ار ربمغیپ ملاک و دندنام لاابن آ رفنه دزای طقف

متفگنم اتس ا ه تفگ ربمغیپ» :دنتفگ و دنتشاذگ

مه ت مایق اتر گا .تسا ه تفگ زونه و ،دییاین ییاپ

دنوشیم اهنیا «!مینامب ه وک ی لاابدیابام دیاین ربمغیپ

!مه فابم دآ دنیوگیم اهنیا ه ب !تسا ه دیمه ف ه ک ی سک

!دنزادنایم راکه ب ار نا شلقع ه ک دنتسه ی سک اهنیا

!ار تمکش ه ن ،زادنیب راکار تلقع دیوگیم ربمغیپ

راوس دصناپ لابق رد رفنه دزای دمآ دلاخ دعب

دناوتیم راکه چ ،زور حلاس نیرتزهجم ه ب حّلسم

نیمز ی ور غیتاب ار رفنه دزای نآ ئمه دلاخ !؟دنکب

تسا ه داتفا ربمغیپ دید و دمآ و دز رود دعب ،دناباوخ

تقو نیرتهب نلآ» :تفگ ،دنا ه تفر تیمزه ه ب ه مه و

نیا راکیم یوریم !دنتسه ربمغیپ و ی لع طقف ؛تسا

»[1].مینکی م ل ح ار هلئسم و مینکی م م امتار اتود

هکنیا زج تسین ی هار چیه دید ن ینمؤملاریما
هکی نوخ تّدش زا ربمغیپ .دنک رارف و دربدار ربمغیپ
؛دوش دنلب اپ ی ور تسناوتی منذ دوب هتفر وا زا
رد و !تفرگ ش شود ی ور ار ربمغیپ ن ینمؤملاریما
تعاس دنچ هک دوب ی راغ اجنآ رد ،دروآ هوک طسو
.تشاذگ راغ ن آ رد ار ربمغیپ

ی منذ ام هب م دشی م فّرشم اجنآ ن م هک هعفد رهز
هک ی اهرمع ترایز رد .دندرکی م ی فخم و دنتفگ
نإ ـ درک هدنب تمسق دنوادخ ش یپ هتفه ود ی کی
تفرعم اب هک دنکب همه تمسق دنوادخ للهاءاشن
آ هکم یتفر ناتسود زا ی کی قافّتا هب هرخلأاب ـ م یورب
م درکل اؤس ن م و دوب ی سکاجنامه .م ینکادیپ ار راغ
رخآ نامه هک تفگ هراشا اب و درک تّبحم مه وا و
ی هاگتسد بجع م یدید و م یدرکادیپ و م یتفر .تسا
!تسا ی طاسب بجع !تسا ی ملاع بجع !تسا
گنج رد و م یتسشن راغ رانک !تسا ارح راغ نامه

---

[1] ج ،داشرلإا ؛230 ـ 224 ص ،1 ج ،ی دقاو ،ی زاغملا هب دوشع وجر .
.82 ـ 80 ص ،1

رطع یوب .میتفر لئاسم نآ رد و اضف نآ رد و دحا
؛دوب مهراغ زا نوریب رتم دنچ اتهکدمآیم یبیجع
دراذگیم هبعکه بسرس ناسنا یتقوهکیرطع نامه
یمشوارتمهراغ نیا زا وبنامه دنکیمماشتسا
!دنک

هکدنیوگب و دنتسشنن نیمؤملاریما و ربمغیپ
دارفا زا رفن نیلوا ناشدوخ ،ریخهن !دیگنجب دییامرفب
شش ودیرار ربمغیپ نیمؤملاریما !دندوبگنجرد
تربصحهکدوبهتفر ربمغیپ زا نوخ ردقنیا !تفرگ
،دوبهتسکشت ربصحیناشیپ !دوربهار تسناوتیمن
یمروطنیمه نوخ ،دوبهتسکشت نامشتسد ناوختسا
ربمغیپ زا یرتهب راگزور مه نیمؤملاریما . ...و دمآ
اتدعبهکدنراد خیراوت و [1]تشاد مخز دون ؛تشادن
یمن و دوب هداتفا هناخ رد نیمؤملاریما اهتّدم
هبروطنیا ار ملاسا اهنیا ،ناجاقآ [2].دوشدنلبتسناوت
هلبهلب و هوهق یاهناجنف ابهن !دندناسر امتسد
ملاسا ؛هدنبل ثمن داد هیکتو لّکتم ربن تسشنو ن تفگ

---

[1] .116 ص ،1 ج ،یمقلا ریسفت .

[2] ص ،2 ج ،ملاسلا مهیلع بلاطیبا لآ بقانم ؛158 ص ،صاصتخلا .
119.

!تسا هدیسرنام تسد هبی‌روطن‌یا

مه ،دندید ار رمقلاّق‌ش مه ؛دندید همه ار اهنیا مه ،دندید ار نااویح‌ت‌داهشم‌ه ،دندید ار س‌مشلاّدر ن‌دمآرد مه ،دندید ار اههزیرگنس و ءاصح‌ت‌داهش ی‌تقو اما . ...و [1]دندید ار ک‌شخ‌ن‌ابایبل‌د زا همشچ هچ ،ت‌شاذگ‌ن‌یمز ار ش‌رس رفص 28 رد ربمغیپ ناهد و وربا و مشچ !؟دوبهتخانش ار ربمغیپ ی‌سک و رمع ی‌تح ،دندید همه ار وربو ایبن‌یا و ربمغیپ ربمغیپ هکی‌سکن‌آ س‌پ .دندیدی‌مار اهنیا مه رکبوبا ن‌یا و دشه‌تسباهم‌شچ ن‌یا ی‌تقو ت‌سا هتخانش ار رفندنچ‌اما .دوشبی‌روطدیابنرگید داتفا راکزا س‌فذ هچل‌ابند هّیقب [2]!اترابهچایه‌سطقف !؟دندمآ ی‌لعل‌ابند !؟دنتفر ی‌سک

ی‌م ی‌سک ل‌ابند ش‌اک ی‌ا :مییوگی‌م ی‌هاگ ن‌م ی‌مذار ی‌لع رگا !دیزرای‌م ش‌نت‌ه‌ب ش‌رس‌ه‌ک‌دنتفر هکدنتفری‌مریز و هحلطل‌ثم‌ی‌کیل‌ابند ًلاقا دنهاوخ هکی‌سک ل‌ابند هذ ،دندوبی‌سک هرخلأابع‌قومن‌آ رد

---

[1] .168 ص ،نیبنمؤملاریما ل‌ئاضفی‌فةضورلا .

[2] .10 و 6 ص ،ص‌اصتخلا هبدوشع‌وجر .

نینمؤملاریما لابند رفندنچ .دنادیمزیچ ًلاصا

ندب اتدنداتسیا نینمؤملاریما ابرفدنچ !؟دنتفر

هچ یارب عقومنآ هفیقس !؟دنهدب لسغ ار ربمغیپ

!؟دشتسرد

ردیتحادخ لوسرهبیقحتفرعمنادقف

املعنیب

لاسداتشهزادعب،ملعلهاو املعزاقآنآلاح

:دیوگیمنس

[1] !تفرگارنیملسمتّتشتیولجهفیقسنوچ !!تسامالسااتاراختفازاهفیقس

نامشچ،هبه !دیوگیمیعیشمللاعکیارنیا

مادمینارهطیاقآارچهکدنیوگیمدعب !دشنشور

بهاینوآنمیگویدی؟!

:دیآنعلمدیگربعدازدوسالسنمیگوید

چه کسی گفته است که عمر در قبال رسول خدا هنگام احتضار ایستاد؟! این احادیث دخواهد جعلی است! حاشا به اینکه خلیفهٔ ثانی، عمر، با اسلامی که آورده است بخواهد بگوید: «إنّ الرّجل لیهجر!»[2]

---

[1]: دراین مورد نکات زیر قابل ذکر است.

1) شیخ محمد واعظ زادهٔ خراسانی، در گفتگو با پاگیاه اطلاع رسانی ، در مصاحبه ای که در تاریخ 4/2/1387 انتشار یافته، 5 و 4 سال قبل از هجرت پیامبر به مدینه، عمر را همراه ابوبکر و ابوعبیده جراح به یمن فرستاد تا مردم را به اسلام دعوت کنند. ص ت، ص 72؛

2) حدیث قلم و دوات، در منابع اهل سنّت با الفاظ مختلف و با سندهای متعدد آمده است. برای نمونه نگاه کنید به: صحیح بخاری، ج 1، ص 37 و ج 4، ص 1611؛ صحیح مسلم، ج 5، ص 75؛ مسند احمد، ج 1، ص 324 و ج 3، ص 346؛ سنن ابی داود، ج 3، ص 318؛ سنن ترمذی، ج 4، ص 324؛ سنن نسائی، ج 8، ص 18؛ سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1265؛ مسند ابی یعلی، ج 4، ص 429؛ مسند ابن راهویه، ج 3، ص 1017؛ مسند ابی عوانه، ج 4، ص 408؛ مسند ابی بکر، ج 1، ص 57؛ مسند عبد بن حمید، ص 439؛ مسند ابن جعد، ص 1؛ مسند شاشی، ج 1، ص 29 ـ 35.

ی سراف هب «رجهیل جرّلا نّإ»[1] هئمجرت دینادی م
ب دا ن یا «!!دیوگی م نایذه هکیترم» ی نعی ؟تسیچ
هّجوتم لاحا !تسا ام ی ناث هئفیلخ ب انج ت افاقث و
ن یا «لجرّلا نّإ» ت سرد و ح یرص همجرت ؟دیدش
رگید !دیوگی م نایذه و دریمی م داد هکیترم» :تسا
ن یا «!!دیوگی م هچ هکت سیذم ولعم و دریمی م داد
دناه درکل قذم هن ّنستل ها ی تح ،دناه درکل قذه مهار
م لاع ت قون آ[2] ؛ت سه م هم ن اشیاهب اتکه مه رد و
دشاب ن املسم ی سکدوشی م رگمه کدیوگی م امه ئعیش
م هوا ب اتک !؟دهدب ار ت بسن ن یا الدخ ل وسر هب و
!؟دینیبب دیورب ،ت سه[3]

:دیوگی م ی برع کلام رد رگید م لاع ن آ ای

هدز شتآ ار ربمغیپ رتخد هئناخ رد و تسا هدمآ مود هئفیلخ هکت سا هتفگ یسک هچ
روطن یا ار وا ن زو دنک ماگن و دنیشنب تسا وا رهوش هک ی لع دوشی م رگم ؟تسا
!؟دیدرک ی م ار راک ن یا دیدوب امش رگا ،م ردم ای !؟دنهدب ار ق رافک تهد رومه[4]

---

[1] ،قحلا ج هذ ؛432 ص ،2 ج ،ف ئارطلا ؛420 ص ،1 ج ،هّمغلا ف شکه .
333 ص.

[2] ح یحصه ؛9 ص ،7 ج ،ی راخبلا ح یحصه ؛336 ص ،1 ج ،دمحأ دنسم .
76 ص ،5 ج ،م لسم.

[3] ا به بحاصم رد م هن اشیا دوخه کدوب ف یخس ی ردقه ب ن اشیا ب لطم ن یا .
،رودص م دعه ب ع طق ل وبق رد دوخ ه ابتشا ه ب ت بسن ،ی نیوزق ن یسح ی اقآ
ی تاقیقحت ئسّسؤم ت یاس ه ب دوش ع وجر .دومن ی هاوخرذع و ه درک ف ارتعا
ئرابرد ی دراهتشا للهاةیآ ا ب وگتفگ ،هجرق ی لاعتلله ا لّجع رصعّی لو ت رضح
(ق قحم) .5737 دک ا ب ،3/9/1384 خ ی رات رد ،ن امز ل وکشک ب اتک
[4] :هلمجزا ،درادل ئاق ن یدنچ م لاک ن یا .

نواوارف اهنیا زا ؛دنتسین اتود و یکیف سلأعم

و تامن م» یانعم اتم نزی م لاثم م راد ار اهنیا !تسا

لم یعف اما م زامنه» ار .دیمهفب.

بآ .دوب م درم نایم رد ربمغیپ لاسه سد و تسیب

دنتفرگی م ناشتروصه ب کّربتی ار ربمغیپ ی وضو

زامناج ربمغیپ رس تشپ[1] !دندوبری م رگیدمه زا و

دنیایب ناشدوخ و دیایز یسک اتدنتخادنای م

ه کنیمه اما .دننام وخ ربمغیپ رس تشپ ار رهظ زامن

یسک ه چ لابند تشاذگ نیمز ار ش رس ربمغیپ

ی وضو ب آ ه ک ی یاهنامه !؟ی لع لابند !؟دنتفر

!دنتفر ه فیقس لابند اهنامه ،دندوبری م ار ربمغیپ

ایه سزجب ،تخانشن ار ربمغیپ سکچیه س پ

و رامع و دادقم و رذوبا و ناملس :رفذجنپ ایراهچ

کیرد م لاسلا هیلع اضر ماما [2].رکبیبأ نب دمحم

---

1) آیة الله العظمی سید محمد حسینی بهجت دام ظله الوارف، از اساتید برجسته حوزه علمیه قم و مراجع تقلید شیعه؛ دام ظله العالی و ... که حفظ و نگهداری بیت ایشان و نگارش توصیه‌ها و رهنمودهای ارزشمند ایشان در زمینه‌های مختلف علمی، اخلاقی و اجتماعی را بر عهده دارند. ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیة الله العظمی بهجت دام ظله العالی، بخش زندگینامه، مورخ 7 / رمضان / 1436 ه.ق مطابق با 2015 م.

2) آیة الله العظمی سید محمد حسینی بهجت، الفاکهة الشهیة فی الأدعیة المأثورة، ج 1، ص 62 _ 66.

[1]. ر.ک: حیاة الامام الرضا علیه السلام، ج 1، ص 55 و 99.

[2]. ر.ک: همان مدرک، ج 1، ص 6 و 10.

دنچ نآ ءزج رکبیبأ نب دمحم» :دیامرفیم تیاور نینمؤملاریما لابند ربمغیپ زا دعب هک دوب یرفن دمحم نم هب» :تفگیم رکبیبأ نب دمحمو [1]« .دنتفر دوب هعیش وا هکش لاح هب اشوخ [2]« .دییوگبی لع نب !دوب وا تسرد ئعیش

هب لمع ئطساوه ب نامز ماما یقیقح تفرعم تربضحی نابم

ام مینیبب اتیم ینزب کحم کی نامدوخ هب لااح نشج نیمه طقف ام تفرعم ؟میتسه راکیاجک هکنیا ؟دشیم امتیم ؟تسا نابعش همیناربنتفرگ مامجنا دناوتیم همه یناسنا دصقو یدوهیو درادنیراک ه ک...و نادرکیناغارچو نادرک تسرد هسیر !دهد قباس !تسا هدشیم کمهنآ هنافسأتم ه ک !درادنیراک یراک ه ک نادرک تسرد سلجم !امجک نالآ و امجک زور کی !درادنیراکه کنتفگنامز ماما حدم !درادن هتشگ ،دوب هداتفا هناخ رد و دوب هدش ضیرم نذوم

---

[1] .440 ص ،2 ج ،جاجتحلا .

[2] ،5 ج ،فارشلأا باسنأ ؛55 ص ،1 ج ،ةسايسلا و ةماملإا هبدوشعوجر . .53 ص ،6 ج ،ديدحلايبأنبا ،ةغلابلا جهنحرش ؛557 ص

ار یدوهیدکی ،ندوبهدرکذالدیپ ار یسک و ندوب
:دوبهتفگو دوبهتفرهنذأمیلاابمهوا .ندوبهدروآ
لوقهب !الله لّاإ َهلإ لا نأ دهشأ :اهنامسملوقه ب
ُیلو ّیلع و الله ُلوسر ّدمحم ّنأ دهشأ :اهنامسملوقه ب
ردقچ !میتسه دلبهمه ؛تسیزیچهکرهاظ !الله
الدیپقمعرگا !؟تسا هدرکالدیپقمعشدوجورد
؟درادگیمنریثأتامراتفررد و امراکفا رد ایآ دنک
!؟دینکبارانکنیا دیوگبنامزماما دیابأمتحایآ
دندروآفیرشتردنیازانامزماما دینکضرفنالآ
میدرکفرابعتترضحهبیردقو دندمآ امجنیا رد و
هچترضح !دییامرفبهضافا امشمهه قیقد دنچهک
یور دیدید اجرهه کدیوگیمترضح !؟دیامرفیم
شفرطهبرکف نودبتسا هتشونیزیچکیراوید
رھ !؟دیھدبشوگتسا هتشونامجنآ هچرھ !؟دیوربو
ار نا ترس امشد ،دیوگیمهچرھ یاهفایقرھ ابی سک
دیدید اجرھ !؟هلبدییوگبدیزادنیینیپیاپهجرد دون
نیعمهامشدوریماجنآ هبدرادتّیعمجلیسکیو
یمنامزماما ار نیا !؟دیوربنآ فرطهب ،دابب زح
یمی قرفهچنامزماما نیا دوبنو دوبس پ !؟دیوگ
؟میزادنیی راکهبار نا ملقع یردقدیابنام ارچ !؟دنک

ی‌ردق دیابن ارچ ؟مینک رکف رتشیب ی‌ردق دیابن ارچ
و س‌اسحا زا ،ل‌قع ی‌اجهب دیاب ارچ ؟میمهفب رتشیب
ی‌نابم رگم ؟مینکب هدافتسا ناممشچ و مّهوت و ل‌یّخت
هدشن هتفگ ام ی‌ارب‌ب لاطم رگم ؟تسین ام تسد رد
ل‌طاب و ق‌حنازیم‌م لاسلا مهیلع امئا رگم !؟تسا
ک‌ین‌یمهه‌ب امزا رفن‌دنچ ؟دناه‌درکنناییام ی‌ارب‌ار
:میدرک‌ل‌مع تیاور

ار لئاسم‌نیا ئماقا ،دیریذپ دیدب هزور ،دیریذپ دیدب زامن‌نامسلم کیزا ی‌تقو
؟دیوگیم تسار ای دیوگیم غورد ایآ هک دینیبب دینک هاگن هکلب ؛دیریذپ دیدب[1]

!؟دشیم ی‌روطن‌یا امع‌اضوا میدرکیم‌ل‌مع رگا
ی‌راک دیابن ارچ !میزادنین‌ییاپ ار نامرس دیاب لاح
ی‌راک دیاب ارچ !؟دشاب لاب نامرس هشیمه‌ک مینکب
دنتفگ‌هچنآ‌ه‌ب ام لاح ؟میهدب‌خساپ میناوتن‌ه‌ک مینکب
ل‌وط رد و دوب نانچ‌ی‌نابم‌ه‌چنآ‌ه‌ب ؟میدرک‌ل‌مع
و دنتفگ‌نا‌شیاهب‌اتکرد و اهت‌بحص‌رد ل‌اس‌نایلاس
ن‌یا !؟میدرک‌ل‌مع ،دندرک‌نایم‌درم ی‌ارب‌ار ق‌یاقح
دندوبن‌اهنآ رگا !دنراد ام‌ن‌درگ‌ربت‌ایح ق‌حنا‌گرزب
زورما نآلا ام دوبن م‌ولعم ،دوبن نا‌شیاهب‌اتکرگا و
مهام !میدرکیم‌ه‌چنآلا ام دوبن م‌ولعم !میدوبن‌اجنیا

---

[1] .105 و 104 ص ،2 ج ،ی‌فاکلا .

و !نآ ادرف و نیا زورما هکمیدشیم[1] دابزحلثم
یمضوعارنامفرحمهتحاریلیخ و دوزیلیخ
!میتشادنمهیلکشمرگید و میدرک

یهللاةفیلخماقمایآ !؟تسانیاتّیناسنایآ اما
زورما مهفنیا ،دنکیمرارختفاهکئلامربنآابادخهک
اذَإِفَ﴾ !؟میدشللهاةفیلخلااحامینعی !؟تسام
[2]﴿نَیدِجاَسُهَلاوُعَقَفیِحوُرْنِمِهیفُتْخَفَنَوُهُتْیَّوَس
هدجسیمدآنیمهربا !؟دینکهدجسمدآنیاربینعی
تسههتفگینلافهکدنییمات ،رکفنودبهکدینک
!؟تساتسردهکدیوگیممهوا ،تساتسردهک
دیوگبادخرگا !نکهدجسمدآنیاربایب ،لیئربجیا
یمکشادخنآردنم ،نکهدجسمدآنیاربهک
دشابهتشادلکشمیردقدسریمرظنهبنوچ ؛منک
هبهکییادخنآ !میناکادیپاریرگیدیادخدیابو

---

[1] نینمؤملاریما شیامرف ،496 ص (حلاصیحبص) ةغلابلا جهذزا دافتسم .
اب و دنوشیم دنلبیادص رهلابند هبهکیمدرم فیصوت رد ملاسلا هیلع .دنبنجیمیدابشزو رهم

[2] ص ،یحو قفا .72 هیآ (38) ص هروس ؛29 هیآ (15) رجح هروس .
157:

ةبترم هب و مدومذ راوتسا ار وا یونعم و یّدام تقلخ تهج زا هکینامز» وا رباربرد هاگنآ مدیمد نآ رد دوخ تاذ و حور زا و مدیناسر ماتءاوتسا «.دیروآ هدجس

رظنه‌ب ،دینک‌ه‌مدجسم‌دآ نی‌ا ربه‌کت‌سا ه‌تفگ‌ه‌کئلام

نی‌ا ایآ !دراد تاحلاصا ه‌بج‌ایتحا ی‌ردق دسری‌م

؟تسا ی‌هللاةفیلخ‌م‌اقم

لاح .تیلاو تخانش‌م‌اقم‌ی‌نعی‌ی‌هللاةفیلخ‌م‌اقم

م‌اما ام زا رفذ دنچ ؟م‌یتخانش ار یّ‌ی‌لو ام زا اتد دنچ

ه‌کئلام دوجسم م‌یسانشب رگا ؟م‌یتخانش ار نامنامز

م‌وحرم ؟تسیک ه‌کئلام دوجسم لاح .م‌یوشی‌م

دّیس ترضح ،تسا ه‌کئلام دوجسم ی‌ضاق للهاةیآ

ه‌ملاع ترضح ،تسا ه‌کئلام دوجسم دّادح‌م‌شاه

دیس ترضح و ی‌ئابطابط ه‌ملاع ترضح ،ی‌نارهط

ی‌نم‌لثم‌اما .دنتسه‌ه‌کئلام دوجسم‌م‌ولعلارحبی‌دهم

ار ف‌رح‌نی‌ا رمُع تسا‌ن‌کمم‌اجک‌ه‌کم‌یوگی‌م‌ه‌ک

!زگره !؟م‌تسه‌ه‌کئلام دوجسم‌ایآ ،دنزب

م‌لاسلا ه‌یلع ی‌رکسع م‌اما زا ی‌تیاور‌اجنیا رد

و دنکی‌م‌ناییار م‌لعتم‌ةفیظو و م‌لاعةفیظو ه‌کتسا

م‌الدکل‌ابند دیابو تسیکم‌لاع .دنکی‌م‌امتار تّجح

ایآ ؟دنکبدیابه‌چو تسیچم‌لعتم‌ه‌فیظو ؟تفرم‌لاع

م‌هوتو ل‌ایخل‌ابند ،ه‌نایم‌یتسه‌م‌لعل‌ابند و م‌لعتم‌ام

ه‌کن‌امز م‌اما م‌یشاب م‌هوتو ل‌ایخل‌ابند رگا ؟م‌یتسه

!داد دهاوخ هجیتن دیایب مه الدخ لوسر ،تسا لهس

تسرد هفیقس دنتفر هک دیدید !الدن هجیتن هک دیدید

رد و تشاد وربـ و ایب و دوبـ مرگ ناشرازابـ !دندرک

ی ور مه ماما مسا و دندرک تسردّی لو ،تیلاو لباقم

آن ی ور مه ار نینمؤملاریما مسا !دنتشاذگ آن

للهالوسر هفیلخ و ماما و نینمؤملاریما ار وا !دنتشاذگ

رابکه مه !دندرک مه [1]هّنجلا لها لوهک ادّیس !دندرک

نا وارف مه عاّضُو و لاُعُج و ظاُعو هنافسأتم !دندرک

ی زاست یدح و ی زاست یاور هئاخرا کنانچنآ !تسا

هبـ ام ی اهناخچاچ نیا هک دوبـ هدشـ تسرد ربمغیپ زا

ی م تسرد تیاور روطنیمه !دنسرپ ی منم هنآ درگ

ی م تیاور !دروآ ی م نآ ،دروآ ی م تیاور نیا !دشـ

ربـ لیئارجبـ رگا هک م دینش الدخ لوسر زا هک دندروآ

نیا زا و [2]!دشـ ی م لزان رکبوبا ربـ ،دشـ ی منم لزان نم

ی کی ربـ ًلاقا !ی داوس ی بـ لیئارجبـ بجع ...طاسبـ

!نیا ربـ هن ،درک ی م لزان رگید

هئبلط کی ،م دوبـ هتسشن م ارحالدجسم رد نم

---

[1] .36 ص ،1 ج ،هجامنبا نسن ؛80 ص ،1 ج ،دمحأ دنسم .

[2] ی بأنبا ،فّنصملا هبـ دوشع وجر نینچمه .446 ص ،2 ج ،جاجتحلا .
.494 _ 470 ص ،7 ج ،هبیش

امشد» :تفگ و تسشن و دمآ نم شیپ هنیدم هاگشناد

«؟تسا هدرک تنایخ لیئاربج هکنیا رب دیتسه دقتعم

هتشذگ اهفرح نیا رمع رگید ،ناج اقآ :متفگ

وا هب یروطنیمه !رگید شکبت لاجخ رخآ !تسا

ی رگید شهزیچ دیاب نالآ !شکبت لاجخ :متفگ

!دشمامت رگید ...و هّیمیتنبا ی اهفرح نیا !ی یوگب

،دیدج ی ملع ی اهاضف و ل ئاسمِ □□نامز نیا رد وت

:تفگی م !؟ی یوگی م ار اهفرح نیا ارچ رگید

طیلب نم :متفگ «!دنکی م قرف ام نآرق اب امشد نآرق»

نیبب نم هئناخرد وربن الآ وشدنلب ،مهدی م ار وتهئرائیط

ایب وشدنلب !تسا دهف نارق اتدش شی قاطا رهرد

نیا زا مالدم ارچ !؟ی اهتسشن روطنیمه ارچ !رگید

!دینکش مامت رگید !؟دینزی م اهفرح

و نیشنب ایب !تسا عاضوا نیمه مهام هئلئسم

رد هکنیای ارب !نک رگید راکرازه و نکل عجت یاور

ی مل عجت یاور ،دنامب اپرسا مم اظنایند هزور ود نیا

رگید ی اهزیچ و مینکی م تسرد ثیدح و مینک

،نامّی لو ی قیقحت خانشدل ابند ارچ !مینکی م تسرد

نیا ت خانشدل ابند هکنیاهن !؟میوری منز ،نامنامز م اما

ابهنیا ۀمه .دنکی م روهظ ت قو ه چ ت رضح ه کم یور ب
ی رجه 1432 ل اس نلآ !رگید دیدید !دمآرد غورد
ت سرد م ه اهف رح ن یا زا ی کی و م یتسه ی رمق
و دندز ی م ل احه با ت ه کی یاهف رح ن یا م امت !دماین رد
!دمآرد غورد ه مه ،ت سا ت قو ن لاف ه کم یدینشی م
ه کلا اح ارچ ؟م ینکن رکف ن امدوخ ه ب رتشیی ردق ارچ
ه ضرع ی ارب ی عاتم ه تفشآ رازاب ن یا رد ه کم یدیمهف
ن اگرزب و افرع و ایلوا ع اتم ه کم ینیبب م یدماین ،ت سین
ی من ارچ !؟م یدرگرب م یهاوخی من ارچ !؟ت سیچ
!؟م ینا وخبار ن اگرزب ی اهب اتکزا ه حفصود م یهاوخ
رارق ه وسا دننا وتی من ن ارگید م یدیمهف ه کلا اح
!؟م ینک ض وع ار ن امؤوسا م یهاوخی من ارچ ،دنریگب
ارچ !؟م یتسه ن امتک و ی راکن اهنپ ل ابند ه ب اًمئاد ارچ
و [1]ه یومت ار رهاظ م الدم م یهاوخی م ،ح لاصا ی اجه ب
ن یا زا ی زور ه رخلأا ب !رگید ت سا س ب !؟م ینک ه یجوت
!دوشی م ل اؤس ب لاطم

ب تکم ی نابم و ت یلاو م یرح ظفح ت رورض ع ّیشت

---

[1] «.ن دنایامن ت سه ه چنآ ف لاخ ار ی ربخ ای ی رما» :دیمع ی سرافگ نهرف .

بنده در یکی از کتابهایم داستان مرحوم آقا با

علامه طباطبائی و مرحوم آقای طهرانی ـ رضوان الله

علیهم ـ را نوشته‌ام که ایشان فرمودند:

وقتی که ما در مشهد هستیم دیگر نمی‌توانیم به زیارت حاجی سبزواری در سبزوار برویم. کسی نباید امام رضا را که در اینجا هست رها کند و فکرش را جای دیگری ببرد! وقتی که شما به سمت امام رضا می‌آیید باید در این راه به زیارت عرفا و اولیای الهی که در این راه هستند بروید. حاجی سبزواری از اولیای الهی در سبزوار است. بایزید بسطامی از اولیای الهی و شاگرد امام صادق علیه السّلام به همراه فرزند امام صادق، حضرت سید محمد، در بسطام هستند. شیخ ابوالحسن خرقانی هم در بالاتر از آنجا است. شیخ فریدالدین عطّار در نیشابور است و یکی از بزرگترین عرفا و اولیای الهی است و اشعار عجیبی راجع به امیرالمؤمنین دارد. همهٔ اینها با جای خود؛ ولی امام رضا اصل است، امام رضا همه‌چیز است، امام رضا مقصد و ملجأ و مأوا و مطمح نظر است. اینها هر چه دارند از سفرهٔ امام رضا دارند و قطره‌ای از اقیانوس ولایت حضرت هستند! آیا کسی اقیانوس را رها می‌کند و به قطره و شمع می‌چسبد؟[1]

ای من یشود مکتب تشیّع! وقتی که من این مطلب

را گفتم، این سخن برای بعضی گران آمد و گفتند:

آقا چرا اسم مرا آوردید؟ گفتم: آقاجان، من وظیفه

دارم آنچه را نسبت به مبانی تشیّع احساس می‌کنم

بگویم. اگر نگویم که چه کسی می‌گوید؟! اگر یکی

دیگر بگوید، من دهانم را می‌بندم و تا آخر عمرم

حرف نمی‌زنم! آنچه ما داریم می‌شنویم خلاف

است! حالا چه کسی باید در اینجا مبانی تشیّع و

مبانی ولایت را مطرح کند؟ ما هر کسی را نگاه می

کنیم، یا از این طرف می‌زند، یا از آن طرف می‌زند، یا

آن جهت را مراعات می‌کند یا آن مصلحت را لحاظ

---

1. مهر فروزان، ص 111.

.دنکی م

رد رفذ ک ی م نیبب و م نیشنب ت کاس م ناوتی منذ ن م و [1]«ت سا م لاسا ر خافم زا ه فینحوبا» :دیوگی م ش باتک ه ّیضق ن یا ه کت فگ دیاب !دوشی منذ رخآ !م یوگی زیچ ارچ .دشاب ،دشاب دهاوخی م ه کره لاح ؛ت سا طلغ ارچ ؟ت سین ی ئابطابط ه ملاع ت املک رد اهف رح ن یا ت سا م لاسلا م هیلع ه مئا ص و صخم ه کی تارابع ن یا ه ملاع م و حرم و ی ضاقم و حرم ت املک ل ثم ی تاملک رد ّی لو اهنیا ن وچ ؟ت سین ـ م هیلع الله ا ن اوضر ـ ی نارهط ه ب اهنیا و دندوب ه تخانشار م اما اهنیا ،دندوب ه تخانشار ،دنکی م ق رف م هن اشتاملک الذل ،دندوب ه دیسر ه بترم ن ا م اما ه ب ط وبرم ه چنآ ،دنکی م ق رف م هن اشتارابع و دنربی منذ راکه ب ی رگید ه ب ع جار ت سا م لاسلا ه یلع .دننکی م ظفحار ت یلا و م یرح

،دشاب ظ و فحم دیاب ع ّیشت و ت ماما و ت یلا و م یرح م لاسلا ه یلع ن امز م اما ل ابق رد ت مایق زور رد ام ّلاإ و [2]!درادن ی خوش ه ّیضق و ،م یهد ب اوج دیاب

---

[1] .81 ص ،21 ج ،ی رّهطم دیهشر اثآ ه عومجم .

[2] و 158 ص ،3 ج ،ت وکلم رارسا ه ب دوشع وجر رتشییع ملاطا ت هجـ . 159.

نینمؤملاریما ار شدوخ مسا فسوین بجاحت شاذگیمراوید زرجیور ارنایعیشو دوبهتشاذگ نینمؤملاریما مهش مسا و تشکیم[1]! تشکیم و نینمؤملاریما ار شمسا مهه یواعمن بدیزیر !دوب !دیربرسی تحارهبار الدخلوسر دنزرفو دوبهتشاذگ

تیلاوتقیقحتخانشمدعینعیتیلهاجلا

ینعیتیلهاجلا :دشنشورتیاوریانعمنیاربانب نیا ؛دینکنمهابتشاتقوکیدیتیلاوتخانشمدع لاسا 1400 !تسینشیپلاسا 1400 هبطوبرم و تسا هتشذگلااحاما ،تسا شدوخیاجردشیپ یاربتیاورمهیوگبدیابایام .تسینطوبرمام هب عقومنآیاربرگا .تسا عقومنآیاربایتسانلآا هتشذگرگید نوچ ؟دروخیمام درد هچ هبدشاب .تسا امنلآیاربتیاورنیاسپ !تسا

هبدسانشنارّیلوهکیسک» :دیوگیمتیاور ماما طقف ؟تسیکّیلو لاحا «.تسا تیلهاجگرم ارواهکیسک !فیرّشلا هجرفللهالّجعرصع ردهاوخیملاحا ؛تسا تیلهاجگرمهبدسانشنا

---

[1]. 323 ص ،6 ج ،ملاسلإا خیراتهبدوشعوجر .

لابند و دنورب ایند زا ربمغیپ و دشاب ربمغیپ نامز
نامز رد دهاوخیم ؛تسا تیلهاج رد وا ،دورب هفیقس
رگشل هب و دورب هیواعم لابند و دشاب یبتجم ماما
رد وا ،دوشب هتفیرف رانید و مهرد دنچ اب هیواعم
دشاب ادهّشلادّیس نامز رد دهاوخیم ؛تسا تیلهاج
یم ؛تسا تیلهاج رد وا ،دوشب هتفیرف یرمدنگ هب و
روطنیمه و رقاب ماما و داجس ماما نامز رد دهاوخ
دشاب نامز ماما نامز رد دهاوخیم ای ؛دشاب همئا ریاس
دهشم و نارهط رد لاس اههد ار یهلا یایلوا تمدخ و
نآ مامت ناشیا لاحترا زا دعب و دشاب هدرک کرد ...و
چیه و تسا تیلهاج رد مه وا ،درادن گرزب ناکرا ینابم
.مینیبیم ام مه ار شجیاتن و ،درادن یتوافت

و ربمغیپ !میتسین رتلااب ربمغیپ زا للهاب ذوعن هک ام
ایآ !؟دش هچ اما ؛دوب مدرم نیب لاس 23 ادخ لوسر
نوچ ؛دش دابآ هزات هفیقس ،ریخن !؟دش لیطعت هفیقس
نفد ناطیش هک مه ربمغیپ نتفر اب و تسه ناطیش
یلیخ ،هبه :درک دنلبرس ناطیش هزات هکلب ،دشن
یایلوا نتفر اب !دش هتشادرب ولج زا عنام هزات ،بوخ
؛دوشیم هتشادرب ناطیش یولج زا عنام هزات یهلا
یضعب یولج رهاظ نیمه یّتح لاحهب ات نوچ

مهرهاظن یمهرگید لاحی لو ،تفرگی مارل ئاسم
سپ ،دسانشی منی سکمهاری لع .تفرک اخلد هب
!دنداد مهنلاوج و ،میهدبنلاوج مینادوتی م

رصعمامات یلاوتتقیقحنییبتدرد املعهفیظو

نانسود و اقفرهبالذل .تسانیمههلئسممهنلآا
هکتسانیاملعهفیظو :منکیمضرعمدوخهبو
تسادهلدفانحاورا رصعمامات یلاوهبطوبرمهچنآ
نیازامییوگبمدرمهبدعب ،میمهفبلوادیاب
هب !؟دننکیمهدافتسارفندنچمینزیمهکیاهفرح
دعتسمرفنکیدیاش ،ریخهن !؟تسا طوبرمهچام
فئاطاتهّکمزا ربمغیپ !تسایفاکنامهدشاب
نیمه[1]«سالدع» :درکتیادهارفنکیطقف ،تفر
.دوبیفاک

وییقیقحّیلونآهکتسانیامهفیظونیاربانب
.مینکنییبتمدرمیاربارییهلاتّجحوییعقاوماما
ارشردپنوچ ،تسیکشردپمییوگبهکنیاهن اما
یمههمهمهارشردامو تسیکهکدننادیمههمه
ینابمنآوتسا وارظنددرومهچنآدیابهکلب .دننسانش

---

[1]. 54 ص ،یرولا ملاعإ ؛421 ص ،1 ج ،ةیوبنلا ةریسلا .

رد و ی گدنز رد ه کوا ی راکهار و ی دربهار روما و وا
ل مع دیاب نامدوخ ی عامتجا و ی صخشد تاطابترا
ار نامرس روطن یمه دیابن .مییوگب دیاب ار اهنآ ،مینک
دیابن !تسین طوبرم امه ب :مییوگب و میزادنین نییاپ
رگا ،ریخه ن !دنکی مت سرد و دیآی مش دوخ :مییوگب
ی م ار ت رس دنفسوگ نی ع ی زادنین نییاپ ار ت رس
ار م لاسلا ه یلع م اما ی نابم !تسین اهف رح ن یا !دنرب
.تفگ دیاب

؟درکی م ه چ دوب اجنیا رد م لاسلا ه یلع م اما رگا
رگا !؟مینکی م م یراد نلآ ام ه کدرکی م ار ی راکنامه
!؟درکی م ه چ دوب ی عامتجا ئلئسم ن یا رد م اما
نادجو ام هّللدمحلا ه رخلأاب ؛مینک ی ضاق ار نامهلاک
ن ییاپ ار نامرس !تسا ه تفرگنام زا الدخار ن یا و م یراد
م یزادنین ن ییاپ رگا !ش لایخ ب :مییوگب و م یزادنین
ی ب ؛دنتفر ه فیقس ه ب ه ک م یوشی م ی یاهنامه اًعطق
ه ن ؛دوبع قومن آ ی ار ب ه فیقس دینکن ل ایخ !درگرب ورب
دوجو ن یم ز ئرک ی انهپ ه ب ه مدعاسی نب ئفیقس نلآ ،ریخ
رد ،دراد دوجو ه مدعاسی نب ئفیقس اجن یمه رد !دراد
رد ،دراد دوجو نابایخ و ه چوکرد ،دراد دوجو نوریب
اجه مه .دراد دوجو ه ّینیسح رد و دراد دوجو ل دجسم

و یلع ۀناخ اجهمه و دراد دوجو هدعاسینب ۀفیقس
نلآا هکاجنیا مهینیبب دیاب لاح ؛دراد دوجو مه همطاف
تسا هدعاسینب ۀفیقس ،مهیاهدز هیکت و مهیاهتسشن ام
!متفگار زیچ همه رگید ؟تسا همطاف و یلع ۀناخ یا

،مهدب حیضوت یردق ار هلئسم نیا متساوخیم
نیا مهاوخیم و دیآیم مهفیح نوچ ،دنامب یلو
اقفر یارب ار ملاسلا هیلع یرکسع ماما تیاور
کیرد یّتحاتم اهدروآ مدوخ اب مه باتک و مناوخب
نیا .میوگب ار تیاور نیع و منکن هابتشا مه همکح
ماما ،موصعم ماما تیاور ،تسین هدنب تیاور ،تیاور
نیا اب ار نامدوخ دیاب .تسا ملاسلا هیلع یرکسع
ایب :میتسه فرط مامک مهینیبب و میهدب قیبطت تیاور
.فرط نآ یا فرط نیا

،رصعیلو تردص دلایم نشج یرازگرب
یقیقح تفرعم و تیلاو هب لوصو ۀمدقم
تردص

تسین نیا یارب ،میدشع مجاجنیا رد زورما هکام
نشج ملاسلا هیلع نامز ماما یاربمیاهاوخباًفرصه ک
ار ناشسابل دنهاوخب ناتسود یضعبًلاثم و میریگب

مهیدب رارقه مّدقم دیابار س ابلن یا ه کلب ؛دنهدب رییغت
ی ضاقح یرش .ت فرعم ن آ و ت یلاو ن آ ه بن دیسر ی ارب
ن یا [1]!داد ار ربمغیپ رسپ ل تق ی اوتف ه مامِع ن یمه اب
!دربمّنهج ه بار وا س ابلن یا !؟درک ه چ وا ی ارب س ابلا
و ه مامِع ن یمه اب ،ه فوک دجسم زامنش یپ ،دعسرمع
و ن کت حار ار ن یسح وربه کداد روتسد رمشه بابع
مه اروشاع زور رد ن وعلم ن آ [2]!ن ک م امتار ش راک
مّمعمه کدننیبب ه مه اتدوب ه تشادنربش رسزا ار ه مامِع
و دناوخ تّیم زامن ه مه ی ارب ت فر مه ادرف .ت سا
رسپ یت قون آ .دندرک ن فد ار ن اشدوخ ی اهزانج دعب
!درادن ی خوش و ،دسرب اجنیا ه ب ت سا ن کمم دآ
اهنیا ،دندوب ن املسم مه اهنیا ؟دندوب ی سک ه چ اهنیا
الله لاا هلإ لا نأ دهشأ مه اهنیا [4]،دندناوخ ی م زامن مه
ی لو !دندناوخ ی من زامن ه لبق ه ب ت شپ اهنیا .دنتفگ ی م
،دنشک ی م ار م درم دنیآ ی م ه ک دسر ی م اجنیا ه ب ه ّیضق

---

[1] ص ،5 ج ،حوتفلا ؛614 ص ،29 ج ،قحلا قاقحإ ه ب دوشع وجر .
.365 و 349 ص ،5 ج ،ی ربطلا خ یرات ؛49 ـ 46

[2] .54 ص ،2 ج ،ةّمغلا ف شک ؛112 ص ،2 ج ،داشرلإا .

[3] .44 ص ،2 ج ،ی مزراوخ ،م لاّسلا ه یلع ن یسحلا ل تقم .

[4] .204 ص ،ف طلا ةعقو .

ی م ل یلد م ه دعب و دنشکی م م ه ار ربمغیپ رسپ ی تح
ه درک م ایق دیزی ن امز تّینما ه یلع ربمغیپ رسپ :دنرواآ
ه ک ی تسیاب و ت سا ه تشاداو ه قرفت ه ب ار اهنا ملسم و
،ت سه م ه ی ضاق ه ّللدمحلا [1]!دوشب م ادعا ه ب م وکحم
!ت سا زهجم ف رط ن یا زیچه مه و ت سه م ه دنوخآ
ه دعاسی نب ۀفیقس دنوری م م درم زا ی اه دع اجنآ
روطن یمه رفن رازه ی س م ه اجنیا ،دنهدی م ل یکشت
م یورب ه ک دنیوگی م و دنتفای م ه ار ،ه ّلگ ک ی ن یع
م لاسا ت کلمم ه ب ار ت ّینما و م ینک ع فد ار ی جراخ
م ه ه هام ش ش راوخریش زا و دنیآی م و !م ینادرگرب
ن ذ ن زدنا م ! م یوشی م روطن یمه م ه ام !دنرذگی م
ام م یظعلا ّی لعلا ّللاب !م یتسه م ه ام ه یلع ربمغیپ رسپ :دنروآ
!دریگب ار ان امتسد الخ ه دا گم ،م یتسه ن یمه
:دنتفگی م ان اگرزب الذ

دیناوخ ار اروشاع خیرات !دینک ه یرگ روطن یمه و دینک ه اگن طقف ار اروشاع خیرات
طقف ه کنیا ه ذ ؛دیهدب ه رارق ان ادوخ ل معا روتسد و ق شمرس و دیریگب ه رب ت ن آ زا و
!دراذ ه ای ه جیتن و ه دیاف ه ی لا خ ۀیرگ ن یا !دینک ه یرگ روطن یمه و دینیشنب

ن وخ و دشکی م ربمغیپ رتخد ش وگ زا ه راوشوگ
دعب و دزادنای م ن یمز ه ب ش غل اح ه ب ار وا و دروآی م
ه م گ یر ه م ی ن ک ی م ه ر چ س پ !دن ک ی م ی ؟ م

[1] 614. ص ،29 ج ،ق حلا ق اقحإ .

ی م م ه ی ر گ !د ن ک ی م ر گ ی د ی ک ی م ن ک ن م ر گ ا :د ی و گ
ش و گ ز ا ه ک د س ر ی م ا ج ن ی ا ه ب م د آ ل ه ا ب ذ و ع ن !د ن ک
ی م م ه ی ر گ و د ن ک ی م ا ر ه ر ا و ش و گ ه ل ا س ج ن پ ر ت خ د
ه د م آ ش د ر د و ه د ا ت ف ا ن ی م ز ی ر و ر ه چ ب ن ی ا ،خ آ ه ک د ن ک
ن آ [1] !د ن ک ی م د ی آ ی م ر گ ی د ی ک ی م ن ک ن م ر گ ا و !ت س ا
ب ش ،ت س ا ه د ن ک ا ر ه ر ا و ش و گ ه ک ی ی ا ق آ ن ی م ه ت ق و
!د ن ا و خ ی م ا ش ع و ب ر غ م ز ا م ن د و ر ی م د و ش ی م د ن ل ب
ن ی م ه ر د پ و ه چ ب ر ت خ د ن ی م ه ّد ج ه ک ی ز ا م ن
!ت س ا ه د ر و آ ه چ ب ر ت خ د

ر ک ف ه ب ن ل آ ز ا د ی ا ب س پ ؛م ی س ر ب ا ج ن ی ا ه ب د ی ا ب ن ا م
ا ر ا م ا ل د خ ت ق و ن آ م ی د و ب ر ک ف ه ب ن ل آ ز ا ر گ ا .م ی ش ا ب
ه ب ،ه ن ر گ ا ی ل و ؛د ن ک ی م ه د ا م آ م ه ر گ ی د ب ت ا ر م ی ا ر ب
م ه ا ل د خ ،د ر ا ل د ن ب ی ع ن ی ا ه ک م ی ت ف گ و م ی د ی س ر ا ج ک ی
ر گ ی د ی ا ج ،د ر ا ل د ن ب ی ع ی ت ف گ ه ک ل ا ا ح س پ :د ی و گ ی م
ی ی و گ ی م م ه م و س د ر و م ل د ع ب !د ر ا ل د ن ب ی ع ی ی و گ ی م م ه
...د ر ا ل د ن ب ی ع ی ی و گ ی م ر و ط ن ی م ه و ،د ر ا ل د ن ب ی ع
ن ی س ح م ا ا ئ ه ا م ش ش ر س پ ی و ل گ ر ب ا ر ی ر ی ت ه ک ن ی ا ا ت
ر ی غ ی ت ح و ا ر و ش ا ع ر گ م !د ن د ز ه ک د ی د ی د !ی ن ز ی م م ه

---

[1]. 164 ص ،ق و د ص د خ ی ش د ،ی ل ا م ل أ .

عاشورا بذوید؟! با استدلال شرعی هم زدند!

روایت امام حسن عسکری علیه السلام در مذمت عالمی صالح و عالمی فاسد

امام عسکری علیه السلام در این روایت مفصّلی که مرحوم آقا در ولایت فقیه آورده‌اند[1] و بنده از همانجا در جلد اول اسرار ملکوتی نقل کرده‌ام،[2] بعد از اینکه می‌فرمایند که خصوصیّات عالم چیست، حضرت می‌فرمایند:

«قیل لأمیرالمؤمنین علیه السلام: من خیر خلق الله بعد الأئمّة الهادی و مصابیح العلم؟ قال: «العلماء إذا صلحوا.»

به امیرالمؤمنین گفته شد: بهترین خلق خدا از اوّل تا آخر، در آن عِدّه[3] و رأس شمار چهارده معصوم هستید که واسطهٔ فیض خدا هستید. بعد از شما ائمه، بهترین خلق خدا کیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: علمای صالح!

علمای صالح، نه طالح! فرق بین صالح و بین طالح فقط یک دستهٔ راست؛ اگر آن دستهٔ راست را بگذارید صالح است و اگر نگذارید، طالح است. بنابراین، صالح و طالح بودنش مشخص می‌شود.

این پیش‌زمینه را گفتیم تا از این روایت مقدار بیشتری استفاده کنیم. امام عسکری علیه السلام می‌فرمایند:

«قیل: فمن یسلم بعد القائم من الفتن؟ قال: من تمسّک بزمام دینه و بحبل ولایة من أمره الأئمة الهادیة من آل محمّد صلی الله علیه و آله.»

---

1. ولایت فقیه در حکومت اسلام، ج 2، ص 96.
2. اسرار ملکوت، ج 1، ص 74.
3. لغت‌نامه دهخدا: «یا لای هر چیزی.»

«و المئومنین فی مَمالِکِهم؟ و المئومنین فی مَمالِکِهم؟»
و به امیرالمؤمنین گفته شد: بدترین خلق خدا در روی زمین بعد از ابلیس و فرعون و به امیرالمؤمنین گفته شد: بدترین خلق خدا در روی زمین بعد از ابلیس و فرعون و
نمرود و بعد از آن کسانی که اسم شما را روی خودشان گذاشته اند و آن کسانی که نمرود و بعد از آن کسانی که اسم شما را روی خودشان گذاشته اند و آن کسانی که
به بقیی که اختصاص به شما دارد خودشان را متلقّب کرده اند و آن کسانی که جای به بقیی که اختصاص به شما دارد خودشان را متلقّب کرده اند و آن کسانی که جای
شما را گرفته اند، کیستند؟! شما را گرفته اند، کیستند؟!

ای علی جاهای آمده به وجود آمدن بابای بابایا جنیان! زلزله زدن! معلوم است! آخر تو چه کاره ای؟ بروز کن! اما

را گرفته است! آخر تو چه کاره ای؟ بروز کن! اما

را شما لعن می کنید: اگر من شیعه شما هستم، زمین شما لعن می کنید: اگر من شیعه شما هستم، زمین

بلرزد! حالا امتحان کن، تو بشین، بعد ببین می لرزد یا نه! حالا امتحان کن، تو بشین، بعد ببین می لرزد یا نه!

اگر لرزید، من می روم بیرون! اگر لرزید، من می روم بیرون!

دوستان عزیز! چون خودشان می دانند که اگر بلرزد، من می روم بیرون! دوستان عزیز! چون خودشان می دانند که اگر بلرزد، من می روم بیرون!

بروم بیرون یعنی چه؟ یعنی بروم بیرون یعنی چه؟

خانم محترم! شما هیچی نگو! شما هیچی نگو!

آقای محترم! شما هیچی نگو! آقای محترم! شما هیچی نگو!

و همه به وجود آمدن و زمین و آسمان لرزید و همه به وجود آمدن و زمین و آسمان لرزید

حضرت می‌فرماید: «اودسف اذإ عاملعلا»؛ بدترین خلق خدا بعد از اینها، علمایی هستند که فاسد باشند.

اما دوخ؟ چه کسانی هستند علمای فاسد حالا، بیا توضیح می‌دهم برای تا عکس اینها را بگیرم و از خودمان شروع کنیم.

«هم الظمهرون الأبالطیل» (یعنی به‌جای حق، آنهایی که باطیل را اظهار می‌کنند؛ حق را برای مردم جلوه می‌دهند.)

یعنی باطیل را به‌عنوان حق اظهار می‌کنند، نه به عنوان باطل؛ یعنی چیزی را که باطل است حق جلوه می‌دهد، ولی به مردم می‌گوید که من دارم به شما حق می‌گویم؛ ولی به‌عنوان باطل می‌گویم: چون اگر بگوید و بفهمند که دارد باطل می‌گوید، هیچ‌کس گوش نمی‌دهد و کسی را گمراه نمی‌کند، بیا یارانش را جمع کند، بیا با مردم حرف بزند! مردم می‌گوید: مردم باید ما را زور نکنند! مردم ما مشغول کار خودمان است! ما زور نداریم! ما مشغول کار خودمان است! چون خودش می‌داند که باطل است! ولی خودش را به آن راه می‌زند، همین‌طور می‌رود جلو، یک قدم برمی‌دارد، دو قدم برمی‌گردد! مردم را نمی‌شود گول زد!

«و الکاتمون الحق؛ آنهایی که حق را می‌فهمند ولی به مردم می‌گویند.»

ولی در پس پرده چه خبر است؟ یعنی

!تسا نیا تحلصم نوچ !دنیوگیمذ

یم مامتیتقو هچ «تحلصم» نیا مناديمذ نم
و ممهفیمذهدنبهکتسایتحلصم روطچ نیا ؟دوش
تحلصم نیا طقف ،دمهفیمذ مهیرگید سکچیه
!ممهفیمذار تحلصم نیا نم !دمهفیم رفنک یار

تحلصم» :دسیونیم شردپهبیاهمازرد رکبوبا
مّنسهکنیا نانوعهبار نم هکدرکیم اضتقا نیملسم
:تفگ شردپ «!دنرازگبیلعیاجهبتسا رتشیب
ارچ !تسا رتلاابوتزا مّنسو متسهوتردپهکنم»
یموتشاذلوبقاروا ،وا ردپ[1]«!دنتشاذگار نم
«!متسهوتیابهکنمتسا نسهبرگا» :تفگ

تحلصم» :دیوگیم اقآ نالفهکدوشیم نیمه
هدنب[2]«!دوشبتسرد هدعاسینبئفیقسهکدرکاضتقا
مّمعم ،تسا هعیشوا هکنیا اب !مرادمهار نآ ئتشون
:دیوگیم یلو ...و تسا حلاصلارهاظ ،تسا
«!دننکتسرد هفیقسمدرمهکدرکاضتقا تحلصم»

:دیامرفیمنیمؤملاریما لوقزایرکسعماما

---

[1] .88 ص ،1 ج ،جاجتحلا .

[2] .232 ص ،باتکنیمههبدوشعوجر .

«﴿نَوُنِعلَّلاَ مُهُنعلَيَ ُللهاَ مُهُنعلَيِ كَئِلَوْأُ﴾ :لّجوزّع الله لاق مهيف»[1,2] اهنيا قّح رد ادخ

ار املع نيا مه هکئلام و دنکیم تنعل ار اهنيا ادخ هکدنتسه یناسک اهنيا :تفگه تسا
!دننکیم تنعل و جن و انس مه تنعل

یا نکلام، کلام امیرلملؤمنین تسا و ناقل آن امام عسکری تسا. یعنی سندش امام عسکری تسا، اًروف تسه هچره خرآ !تسین فیعض رگید سپ !دننکیم لکشا هغلابلا جهذ رد هکدنناییم !دننکیم هغلابلا جهذ» :دنیوگیم تمحرلا یلیخ، تسا دیحوت اضّرلا رابخأ نوید رد هکدنناییم «[3]!دراذنسه هکدنسه دنسه هب ربص یضرا و !دنسرب یضرا هب هکت سا یفاک هغلابلا جهذ دنسه» :دنهاتفگ یضعب .مییارذگرب یضرا هب هجایتحا ع وطقم هغلابلا جهذ دنسه" .دراذنت یّجحلا ذلو ،تسا هدناسرنز مالسلا هیلع یا نکلام، سیلبا رب یضرا هب ار اهنآ و هدومنزلقنًلاسرُم ار نآ بلاطم یضرا دیسرا ؛تسا طقاسرابتعا هجرد زا یّلکهب و مالسلا هیلع نینمؤملرامیا هب ار یزیچ هکنیا زا تسا لُجأ وَ ًةَلِزنَم مدشنتباذن یقیلا و مملعلاب وا یارب هکیتاحرد، دهدت بسنن یقیلا و ع طقلاب هب رصحنم نتو نومضم ربه وملاع ـ هغلابلا جهذ دنسنانقتا نیاربانب .دشاب یضرا دیسدوخ نانقتإ ـ تسا هتشگرداصت یلاو امقم زا أقیقحتهک، نآ درف لثم نآ دنسزا ثحبرگید، دیسر هغلابلا جهذ هبلطم هاگره نیاربانب .تسا هبُّع وطقم هکتسا نآرق دنسزا ثحب «.تسا

رد مالسلا هیلع نینمؤملرامیا تاشیامرف دنسزا ع لاطت هجت نیچمه کردتسم ؛یوسوم قداصدیس، هغلابلا جهذ مامتهب دوشع وجره غلابلا جهذ ینیسحن یدلاقبه، لئاسملا و لئلادلا ؛ءاطغلافشاکلآ یداه، هغلابلا جهذ کرادم و دانسا ؛هعمذ للهادبع، هغلابلا جهذ ردامص ؛5 ج ،ینانسرهشم ؛یتشد دمحم، هغلابلا جهذ نیثدحم و تاور ؛یتشد دمحم، هغلابلا جهذ ینیسحءارهزلادبع، هدیناسأ و هغلابلا جهذ ردامص.

---

1. 159 (2) هرقبه روس.
2. 458 ص ،2 ج ،جاجتحلا.
3. 176: ص ،2 ج ،ملاسا تموکح رد هیقفت یلاو.

ی تقو و «!ت سیند ص ّخشم ی لیخ ش یاهدنس زا ی ضعب»
ی مذ ار ب لطم ن یا ام» :دنیوگ ی م ،دنمهفن چ یه ه کم ه
رایسب «!م ینک ی م ر اذگاو اهنآ دوخ ه بار اهنیا م لع ؛م ینادر
ارچ !ن کت حار ارت دوخ ل ایخ و وگب ل وا زا ،ب وخ
ه کام !م مهف ی مذ و م نادی مذ وگب !ی ناچیپ ی م ردق ن یا
ی مذ وگب ؛ن کن ش لاتی لیخ س پ !ی مهف ی مذ م ینادی م
!م هف

،ق ح ن داده ولج ل طاب و ل طاب ن داده ولج ق ح
دساف ی املع ی اهناشن زا ی کی

ق ح ار ل یطابا ه کدنتسه ی یاهنآ دساف ی املع س پ
لاثم !دنهدی م ن اشنت سار ار غ ورد و دنهدی م ه ولج
ه تفگ ت سار دنیوگ ی م اهنآ ،ت سا ه تفگ غ ورد ی درف
ه تفگ غ ورد دنیوگ ی م اهنآ ،ت سا ه تفگ ت سار ای !ت سا
و دننک ی م ن امتکار ق یاقح ه کدنتسه ی یاهنآ و !ت سا
دننک ی مذ ن شور ار م درم ن هذ و ،دنیوگ ی مذ م درم ه ب
انشآ ن اشی عرش ۀفیظو و ی عقاو ۀفیظو ه بار م درم و
ح لاص ه ب ن یا ،م ییوگب ار ن یا :دنیوگ ی م .دننک ی مذ
!ت سیند ح لاص ه ب ن آ ،م ییوگذار ن آ ؛ت سا

ی لیخ ش یاهف رح رد ی نارهط ی اقآ ه کدنیوگ ی م
املع ی تحار ان ب جوم و دنزی م ف رح املع ه ب ت بسن

ی م ف ر ح ا م ل ع ه ب ت ب س ن ه د ن ب ؟م ل ا ع م ا د ک ! ت س ا ه د ش

؟م ن ز

ی ب و ت ح ا ق و ن ی ا ه ک ی ل ا ع ب ا ن ج ل ا ث م ا و ی ل ا ع ب ا ن ج

ا ر چ ،د ی ن ی ی م ی ه ل ا ی ا ی ل و ا ه ب ت ب س ن ا ر ی ض ع ب ی م ر ش

ی ا ی ل و ا ه ک ی ت ق و !؟د ی ن ز ی م ن ی ف ر ح و د ی ا ه د ش ت ک ا س

ز ا ا ر ا ه ن آ ،ع ج ا ر م ز ا ن ا گ ر ز ب ه ک ا ر ی ی ا ه ق ف و ی ه ل ا

ر د ا ه ی ض ع ب ی ل و ،د ن ا ه د ر م ش م ل ا س ا م ل ا ع ت ا ر ا خ ت ف ا

ب آ ّذ ک ا ر د ل ا و م و ح ر م ن ی م ه ،ا ر ا ه ن ی م ه ن ا ش ب ا ت ک

!؟د ا د ب ا و ج ا م ل ع ن ی ا ز ا ر ف ذ ک ی ا ی آ [1]؛د ن د ر ک ی ق ّر ع م

ت ا ف ر خ ز م ن ی ا ه ک د ر ک ض ا ر ت ع ا ا ه ن ی ا ه ب ر ف ذ ک ی ا ی آ

ی م ن ی ز ی چ ا ر چ !؟د ی ی و گ ی م د ی ر ا د ه ک ت س ی چ

:د ن ی و گ ی م د ع ب !ت س ی ن ت ح ل ص م ن و چ ا ً م ت ح !؟د ن ی و گ

!د ن ز ی م ف ر ح ،ن آ و ن ی ا ه ب ی ن ا ر ه ط ی ا ق ا آ

ت ا م ّد ق م د ی ه م ت ر د ل و ق ع ی ت ی ب ر ت و ی ن ی و ک ت ر ی س

ر و ه ظ

و د ی آ ی م د ر ا د و د ی آ ی م ی ز و ر ،د ر ا د ن ی ب ی ع ی ل و

ی م ر ا ک ه ب ی ر د ق د ر ا د ا ه ل ق ع و ت س ا ه د ش ز ا ب ا ه ه ن ز و ر

---

[1] و 147 و 146 ص ،ی ر ئ ا ح ی ن ی س ح م ظ ا ک د ی س ،س ف ن ا ل ا ة ی ک ز ت .
449 _ 500.

رهاظ هب نم .دنوشی م هّجوتم کم کدنراد دارفا و دتفا
دناوخیمذ زامذ فرط هکنیا هب نم ،مرادنی راکدارفا
ی راک وا ندرکذ رس ی رسور هب نم ،مرادن ی راک
.مراد راک وا لقع نیا و لد نیا هب نم هکلب ،مرادن
اهزغم .تسا نیا هّیضق و ،دوشی م زاب دراد وا لقع
نآ .دتفای م راکهب دراد اهرکف و دتفای م هار هب دراد
دیابنذ ی سکچیه و تفگی م هچره ی سک رهه کی نامز
دینیبی م ار اینذ دیراد !دشمامت رگید درکی م تبحص
ار ی کی هکنیا هب رگید !دتفای م دراد ی تاقاّفتا هچ هک
!دوشی مذ ضوع راک ،مییوگذ ار ی کی و مییوگب

ار شدوخ راک دراد ی تیبرت و ی نیوکت ریس نیا
تسد ،بلاطم نیا رس تشپ نم و دهدی م ماجنا
دوز ی دوزهب للهاءاشنإ هک منیبی م ار راگدرورپ ی بیغ
ی م هدامآ دراد ادخ ار للهاّیقبت رضح روهظ تامّدقم
دراد اهلقع هکلب ؛دوشی مذ هدامآ اهن دز هنیساب .دنک
و تلاّیخت ،دتفای م راکهب دراد اهزغم و دتفای م هار
و نومیمانذ یاهتسادق ،دوری م نیبزا دراد تامّهوت
.دوشی م هتسکش دراد هعوضوم

سب اقآ !رگید دنمهفب ی زور دیابم درم هرخلأاب
ی زور هرخلأاب !دینکی م نآونیا مادم !رگید تسا

هسیسد !دوشن شور و دوشت سرد ایاضقم کم کدیاب
ن یطایشد ی اههنتف و دوشب ص خشم دیاب ب ناجا ی اه
.دوشب ن شور م درم ی ار ب دیاب

ۀمه زا و ص اخشا ۀمه زا و ف رط ه مه زا ق ح
ق ح !دنکی منذ ی توافتو ت سا ق ح ه شیمه اههورگ
ر یبعت ر ب انب ـ س ِّبلتم ِن م .دهدب ن اشنذار ش دوخ دیاب
زور ،م نکق یاقح ن امتکم ناوتب زور ود ـ ی رکسع م اما
ه ک دیآی م ش یپ ی نایرج م هاوخ نایم هاوخب م وس
!دوشی م ن شور ت قیقح ،ن م ۀتساوخ نودب

ن ایرج ه کم یشاب ه ّیضق ن یا ه ّجوتم و م ینادب دیاب ام
ن یا دینیبب !ت سین ام ت سد م لاع ر ییدت و ه رادا و روما
روطن یا ل احه ب ات م ه ر گا !م دز ی تقو ه چ ار ف رح
و م یهدب ق فو ق یاقح اب ار دوخ دیاب ن لآ ا زا ،م یاه درکن
ِرد م ه ادخ ؛م ینک ه بوت و م یدرگ ب دیاب ار ه ابتشا ه ار
.دنکی م ل وبق لله اءاشن إ و ت سا ه تشاذگ زاب ار ه بوت

ف اص م درم اب دیاب ،م یشاب ق داص م درم اب دیاب
دیاب ،م ییوگب ار ق یاقح دیاب ،م ییوگن غ ورد دیاب ،م یشاب
ِم یلسل قع اب دیاب و ،م ینک ت بحص م درمِ □□ن ادجو اب
،م یهاوخ نایم یهاوخب .م یشاب ه تشاد ب طاخت م درم

؛میرپسب رس هلئسم نیا هب یزور دوب میهاوخ روبجم
نامدوخ نلاآ زا و مینکعورش نلاآ زا هک رتهب هچ سپ
رارق تقیقح هب ندیسر و یبایتقیقح رتسب نیا رد ار
!تسا هتشذگ راک زا راک رگید زور نآ نوچ ؛میهدب

یاملع یاهەناشن زا رگید یکی ،قیاقح نامتک دساف

دناحلاط دنتسه فرط نیا رد هک ییاملع نیاربانب
سپ .دناحلاص دنتسه فرط نآ رد هک ییاملع و
نامتک هک دناحلاص ییاملع :دیامرفیم نینمؤملاریما
و باقلا و دنهدن هولج قح ار لطاب ،دننکن قیاقح
یلیخ ،مملاع نم .دندنبن دوخ هب ار همئا ءامسا
دیهاوخیم هچره ای ملاسلاةجح لااح ،بوخ
... دییوگب

مینکیمن طایتحا مه ام ،میتسه نیمه مه ام سپ
ۀتیم رد و میتسه نامتامّهوت و تلاّیخت لابند ینعی
تسا نیا ،تیاور یانعم .میریمیم و میتسه تیلهاج
.تسه مه روطنیمه و

تساوخ و یبلق بلط ساسارب دنوادخ تیادە شیوخ نید ظفح یارب دارفا یقیقح

مود ؛مینکب قیاقح نامتک دیابن هکنیا یکی سپ

اینکه نباید باطل را حق جلوه بدهیم و حق را باطل.

این مرتبه به علما بود. حالا بقیه چه تکلیفی دارند؟ خیال نکنید امام عسکری شما را رها کرده، بلکه گریبان شما را هم گرفته است! هم گریبان ما را محکم گرفته است و هم گریبان شما را! حضرت می فرمایند:

«الجرم أنّ من عَلِمَ الله من قلبه من هؤلاء القوم أنّه لا يريد إلّا صيانةَ دينه و تعظيمَ وليّه لم يتركه في يد هذا المتلبّس الكافر!»[1]

این است و جز این نیست و قطعاً همین است که هر کسی که خدا در قلب او نگاه کند و ببیند که این قلب، قلبی است که واقعاً می‌خواهد از دینش محافظت کند.

اگر خدا نگاه کند می‌بیند. ما قلب را نمی‌بینیم، فقط همین ظاهر را می‌بینیم. من الآن که دارم شما را می‌بینم آیا می‌بینم که نیّتتان چیست؟ آیا می‌دانم شما به چه نیّتی اینجا آمده‌اید؟ آمده‌اید حرف بفهمید یا آمده‌اید حرف ببرید؟! من که نمی‌دانم! بلکه فقط ظاهری می‌بینم که می‌خندید و تبسّم می‌کنید. ما که حرف می‌زنیم، برای همه حرف می‌زنیم، نه فقط برای یک عده؛ چون همه انسان هستند، همه وجدان دارند، همه فکر دارند و همه در قبال خدا مسئول‌اند. من به رفقا و دوستانم همیشه می‌گویم: حرفی که

[1] الاحتجاج، ج 2، ص 458.

کی یسک کی لاح ؛منزیم همه یارب منزیم نم

روط کی یرگید سک کی و دنکیم تشادرب روط

ار نیا نمهکتسا دهاشادخ .دنکیم تشادرب رگید

تباث مه یدراوم رد و میوگیم صلاخا یور زا

!مهاوخیم ار همه ریخ نمهک ماهدرک

مشچ هب هکنیا یاجهب ،دنکیم هاگن یتقو ادخ اما

هاگن بلق هب دوریم میقتسم هعفدکی ،دنکهاگن وربا و

هب ادخ ،دنکیمن هاگن وربا و مشچ هب ادخ !دنکیم

،دنکیمن هاگن اهمخا نیا هب ادخ ،دنکیمن هاگن هدنخ

تشپ ،تسیچ هدنخ نیا تشپ هک دنیبیم ادخ هکلب

ار نآ ادخ ؛دیوگیم هچ لد نیا و ،تسیچ مخا نیا

.دنکیم هاگن

موس ،همئا مود ،دنکیم هاگن روطنیا ادخ یکی

بجع دندمآیم اقآ موحرم یتقو !یهلا یایلوا

میتساوخیم و میتفریم ناشیا شیپ !میتشاد یعاضوا

و دندیدنخیم ناشیا ،مینکتبحص یصاخ روط کی

یهاوخیم هچ مناد‌یم !وربو وشدنلب» :دنتفگیم

تاقوا یهاگ «!روانیرد یزاب ام یارب رگید !یوگب

.رگید ریبعت ابای ریبعت نیا ابای لاح ؛دنتفگیم ار نیا

یم !میتفریم و میتخادنایم نییاپ ار نامرس مه ام

مومحرم لوق هب !روايندر ىزاب ام ىارب :دندومرف
مروآىمدشابمهمراهچناماسآ رد فرحرگا» :دادّحت
[1]«!مرادگىمتتسد فكو

ىايلوا و همئا و ادخ :دنمهفىماتهسنيا نيابرانب
و نيا هب .دز قّلعم دوشىمنا هنيا ىولج سپ .ىهلا
.مينابوتىمنايلوا هبىلو ،مييوگبغورد مينابوتىمنآ
ىم ،هدركن هاگن زونه ،مييوگبغورد ميهاوخبات
!نوريباقآ وربدىوگ

!مننزبارمفرحرادگباقآ ـ

!مرادنتقونم ؛اقآ وربـ

ىمنالاصاقانيا !؟دهدىمنارمباوجاقا ارچـ
!مننزبارمفرحدرادگ

!مريادنتصرفًلاصا !اقآ وربوشدنبـ

هبادخ اما ؛وگب ،ىيوگبىهاوخىمهچرهلاح
بلق ،دنكهاگنبلقهبىتقوادخ .دنكىمهاگنبلق
:تساعونود

نيمهلثم ،تسارامييهكتسايبلقلواعون
،دنكىمنشورواىاربارقحدرادادخّىلوهكىياقآ

---

[1] .140 ص ،دّرجمحور .

م یر ح ر د ی تقو ن ا ج ا قآ .د ر ا ذ گ ی م ق ح ی ر و ا پ ی ل و
ش و م ا ر ف ا ر ت ض ی ف ا ر چ ی د م آ ا ض ّ ر ل ا ی س و م ن ب ّ ی ل ع
ن ا ش ن و ت ه ب ا ر ق ح د ر ا د ا د خ ّ ی ل و ی تقو ا ر چ !؟ ی د ر ک
ی م ن ط ا ی ت ح ا ل ق ّ ا د ح ا ر چ !؟ م ش چ ی ی و گ ی م ن ، د ه د ی م
ا ی آ ؟ ی ّ ر ص م ا ر چ ؟ ی ر ا ذ گ ی م ق ح ی ر و ا پ ا ر چ ؟ ی ن ک
م ه ش د ع ب ، ی ی و گ ب م ش چ ا ج ن ی ا ر گ ا ه ک ی س ر ت ی م
ب ت ک م ه ک ی س ک ن آ ل ث م !؟ ی ی و گ ب م ش چ ی و ش ر و ب ج م
!م ی و گ ی م ن :ت ف گ !« ف ـ ل ا » و گ ب :ت ف گ و ا ه ب ، ت ف ر
و گ ب د ی و گ ی م ا د ر ف ، م ی و گ ب ر گ ا :ت ف گ ؟ ا ر چ :ت ف گ
د ی ا ب « ی » ر خ آ ا ت و « ت » و گ ب د ی و گ ی م ا د ر ف س پ و « ب »
و ی س ا ب ف ل ا ن و چ ، م ت س ی ا ب ا ج ک ی م ن ا و ت ی م ن ا و ر ب
ی م ن ذ و ا ز ا ا ذ ل ا !ت ف ر ر خ آ ا ت د ی ا ب و ت س ا ف ـ ر ح ا ت و د
ی م ا ر ن ا م د و خ ر ا ک و م ی ن ک ی م ه ا گ ن ط ق ف ، « ف ـ ل ا » م ی ی و گ
ت ز غ م ن ی ا ر د ی ز ی چ ک ی ا ت « ف ـ ل ا » و گ ب ، ن ا ج ا ق آ !م ی ن ک
:د ی و گ ی م !د و ش ب ذ ل و ل س ه ب ل ی د ب ت ا ه چ گ ن ی ا و د و ر ب
؛ت س ا ی ک ه ب ی ک ً ل ا ص ا !د ن ا م ب چ گ م ه ا و خ ی م
م ه ا و خ ی م ؛ت س ا ی ک ه ب ی ک !ا ت ه د ج ه ا ت و د و د
ا ب م ه ا د خ !د ن ا م ب چ گ ر ا ذ گ ب ، ب و خ ر ا ی س ب !د ن ا م ب چ گ
ا ل ل ه م ه ف ـ ی ْ م ع ُ م ْ ک ب ُ ط ُ ص ُ ﴾ :د ر ا د ن ذ ی ر ا ک چ گ

ار ش‌دوخ و ت اسا ض‌یرم ب‌لق ن‌یا [1]. ﴿نَونُلِقعٰ‌یَ

و ت اسا هتخادنا ش‌شوپ ش‌دوخ ی‌ور و ت اسا هتسب

.دنکرو‌بع دناوت‌ی‌مذ‌ی‌اه‌نزور چ‌یه‌رگید

ت اسا هتشاذگاجق‌حی‌ار‌ب‌ه‌کت‌سای‌بلقم‌وده‌ع‌وذ

ات ابیدنق هّیضف وا حرف و ت‌سیچ ت‌سیچ .موظب

.دنکه‌ماب‌تشا اجنیا دنکذ‌ن‌د‌نکه‌ماب‌تشا اجناآ دنکذ‌ن‌د‌نکت‌سا

.دخ ا دوربق ح‌لابند دهاوخی‌مه‌کت‌سای‌بلق ن‌یا

:دنکه‌ماگنه‌کی‌تقو

«هنِید ةنایصِ لّاإ دیرُی لا هّنأ» ؛ن‌یا قلب، قلبی‌ت‌سا‌که‌واقعاً‌مدهاوخی‌ش‌نید زا
!دنکت‌ظفاحم

،دزادنیدن‌آ و ن‌یا ت‌سد ار ش‌نید دهاوخی‌مذ‌وا

.مشچ دیوگب‌دنیوگی‌مدهاوخی‌مذ‌ن‌آ و ن‌یا‌ه‌چره

هّمه‌ا‌ش‌که‌بذ‌یابد !تفگ‌مشچ‌دیابد‌ن‌یبد‌ی‌خ‌دوت‌چه

!ی‌نکی‌مسا‌حا‌ه‌چ‌و ی‌مهفی‌مدار‌ی

«هِیلو میظعت و هِنید ةنایصِ لّاإ دیرُی لا» ؛دنخ‌ن‌ید دهاوخی‌م ادخ‌ّی‌لو و دراد ه‌ماگنه‌ار
.دنکت‌ظفاحم ار

ن‌ییاپ‌ار وا و دنزادب‌دخ‌ّی‌لو ر‌سر‌ب‌دهاوخب‌ه‌کن‌یاه‌ذ

ی‌مذ‌ن‌ییاپ‌دخ‌ّی‌لو ه‌تبلا !دورب‌الاب‌ش‌دوخ‌ت‌اد‌رو‌ای‌ید

،ید‌آ‌مد‌ی‌ن‌ییاپ‌ت‌و ،ت‌و ز‌ا دست داد‌ی‌ت‌و ،ر‌ساخ

.ش‌د‌ی‌ت‌و ن‌یا ر‌ب‌ح‌ار بذ‌ر‌د‌ی‌دخ‌ّی‌لو !ش‌یاجر‌س

---

[1]: 299 ص ،7 ج ،ی‌سانشد‌اعم .171 ه‌یآ (2) ه‌مرقب‌ه‌رو‌س .

«.دنزادنا‌ر‌ک‌ادرا و ل‌ّقعت‌ناشیا‌س‌پ !ی‌نار‌و‌کو ی‌نلا‌لا و دنتسه‌ی‌نار‌کن‌انآ»

تخبدبوتاهتنم؛دروخیمذناکتشیاجزاوتسه

!یدشد

ئلیسوهبیقیقحنییلاطزادنوادخیریگتسد

ناشیاهبریمضنشورنینمؤمیفرعم

واتّیذشلدردوداشابروطنیایصخشرگ

:دیامرفیمیرکسعماماقداشاد،

نیمه) رفاکلاسّبلتملا اذٰه دَیِیفُهکُرتَیم لـ«؛«رفاکلا سّبلتملا اذٰه دَیِیفُهکُرتَیم لـ«
یمهولجقحارلطابهکیملاعیمهنودبنییزاراَواداهاوخیمهکیمکاح.
دنکیمذناهر (دهد)

:داشابقداصامتّیذناملدردیابدلاونیاربانب

ومیوربفرطنآوفرطنیامادمهکنیاجهبیعن

باتکنآوبمینیشنبربنمنیایاپ

اروخبدشوگوبمیهدبشیلبا،وادیابنیاتّیذ

دمآیعقاوردصمزاهچرهاتمینکبفاصوقداص

میدرکفاصوقداصارتّیذهکیتقو!مشچمییوگب

...وباتکوسلجموهضوروربنمهبیزانیزرگید

یمنامبلقردداوخبادخهکیناآهکلب؛میرادن

قیرطوهارنارازهودرادهلیسونارازهادخ.دزادنا

سّبلتمنیاتسدردارصخشنیارگیدادخ.درا

دهکیملاعنیاتسدردیعن؛دنکیمذناهرفاک

یلو،تسادهدروآرداوقتوملعسابلهبارشدوخ

!دهدیمسردارسیلباوتساسیلبا

زا ریغ و تسا نیمه ؛مَرجِ لا» :دیامرفی م امام

:دیامرفی م دعب و «!تسین یا

ادخ [1] ؛«هنِمِ لِوبَقلِلِ اللهُ هُقِّفَوُیَ مَّثُ بِاوَّصلا یَلَع هِبِ قِّقِیَ اًنموُم هُلَ ضُّیَقِیَ هُّنِکلَ و»

وا و ،تسا لصاح یکجا شدوخ تسد خاک ار ییوگنمؤم رد رس رارق م یدهد که

.دریگ م ار نا تسد

ش رکفه کدهد ی م رارق ش رها رس رد ار ی کیادخ

،دنام چب زا شدم ه تسا و ذم خی وا دهاد خا ل غمز ش گ

ش رها رس ،ل ئاسو ع اونا هب .دریگ م ار نا تسد وا و

،ی م دوری م ه ار نا یاب خ رد دارد ًلاثم ؛دهد ی م رارق

؟ی خوب ؟تسا روط چت ،حال ،م کیلع ٌمالس :دیوگ

!و جا ی صحب تاز م شوند ،عبد یک !م نکمک تکن

!دز ی ها فخر ح ب جع ه ک دنیی م ه عفد نا یا ،آ م نیبب

!؟دوب ی سک ه چ ،دیوگ ی م ه چ م نیبب ا تم ورب ش لابند

ل د ی ا ،ب جع ،ه ب ه ب :دیوگ ی م و دوری م دوش ی م دنلب

:ل فاغ

[2] ی درگ م ن اهج درگ ا م و ه ناخ رد را ی *** ی درگ م ن ابله نشت ا م و ه زوک رد ب آ

ب اتک ن یا رد ی بلاطم ن ینچم ه روط چ ،ب جع

!؟م یتسناد ی م ذلا اح ا تا م و ت سه

ت سه را ون ن یا رد ی یاهت بحص ن ینچم ه روط چ

ب اتک ه ب اجک ی ًلاثم ای !؟م یدوب ل فاغ ن آ زا ا م و

---

1. 458 ص ،2 ج ،ج امتحلا .

2. 24 ص ،1 ج ،الدخهد ،م کح و ل اثما .

باتک کی نآ رانک ،درخب یباتک ات دوریم یشورف

:دیوگیم و ،تسا رگید راونک ینآ رانک ،تسا رگید

هناخ هب دعب .تسیچ هک مینیبب میریگب مه ار نیا لااح

نیا !؟تسیچ اهفرح نیا ،بجع :دنیبیم و دوریم

!؟تسیچ لئاسم

رگا .تسا زاب شلد هک تسا نیا رطاخهب اهنیا

کی یلو ،دریگیم ار راون ای باتک ،دشابن زاب شلد

نآ یور کاخ مه تناس ود یکی و دراذگیم ییاج

هنارت دوریم تقونآ ،دنکیمن ییانتعا و دیآیم

تسا هتسبادخ !دنکیم اشامت ملیف و دهدیم شوگ

مه ام ،یتسبار تلد !میشکیمن زان ام :دیوگیم و

مکحم بوخ تیاج هک میشکیم نآ یور نتب کی

یم مه بآ بوخ و !دوشب عمج ترطاخ و دشاب

ات نامیس هب دیاب دنیوگیم نوچ ؛دوشب تفس ات میهد

تفس روطنیمه ات داد بآ ،هام کی ًالثم ،یّتدم

تدوخ !میرادیم هگن تفس یلیخ مه ام .دوشب

ییاهنآ تحار رسام تقونآ !میدلب مه ام ،یتساوخ

ییاهنآ ،دننکب دییأت و دنهاوخب هک میهدیم رارقا

هک ییاهنآ ،دننکیم فیرعت غورد باوخ وت یارب هک

نیا زا یهاوخب رگا .دننکیم فیرعت غورد تافشاکم

شفرطن یا مه ؛میراد یمسِقه همه ام ،یوشد دراو هار

میروآیمار یاهنآ .میرادار شفرطن آمه ،میرادار

کهمیگویندن :دوبیروطن یا میدید باوخ ،همکاشفه

کرد میروطن آمه ،دوبیروطن یا هجعزم هتفاق هتفاد ،آنجا

کرامت هتفاق هتفاد ،یناجا چپ شد ،آنجا راست شد

.میدید ار همه امو میراد اهزیچ نیا زا . . .و

«لِمیَقیِ فُکرتیِ مُهَلَ ضِیَقیِ هَّنِکلَو ،رفاکلا سِّبلتملا اذٰه دَیَ یفُ هَکرُتیِ مؤُنَمأ هبَ قِحیِ
و دریگیمار شتسد هکلب ،دنامب اهنیا نایم رد وا هکدراذگیمذ ادخ ؛«بِاوَّصلا
.دهدیمارارقشهار رسار یمؤم

یعنی دستمار دریگیمو دیوگیم :اقآ ،ناینایا

یکنیمیرادهکیراکن یا ؟یکنبیهاوخیمراکهچ

!تسا هابتشا !دیاب نیا رأیکهدیمهدیرادهکیراکن یا

!تسا آیا فکر فدرا رکدهای؟! حرتسا !تسا

؟یدرکیملایخ !؟یتسایحلاصمآدم ،نیاهکدرکیملایخ

؟دشنشورااهیلیخیاربنلآهکن یا !؟دشهچسپ

،تسا زاخیلیبقیلبیاربیاهیلیخ ،دوبنشورااهیلیخیاربنلآ

!تسا هدمآردشیادص هدیدیلیخرگید هکار نیا !تسا هدید

!میا :اقآ دیوگیمو دریگیمار نیا تسدنمؤمنآ

!وت ار وچ هکه تراکلابند و نکنار راکن یا

!یکنتلاخدلئاسمو ایاضقن یا ردیهاوخب

للهابیاملعزاتقیقحشریذپیاربیهلاقیفوت

ریمضن شور ن ینمؤم و

«هنمِ لوبقلِا الله هُقّفویّ مث» ؛(تقی که راه را به او نشان داد) بعد خدا توفیق عمل
هم به او می‌دهد!

ممکن است ما خیلی از مطالب را بدانیم، ولی توفیق عمل پیدا نکنیم؛ مثل آن آقا که دانست، ولی ملاک یک شب طول نکشید، فریاد شر تپانوی شیپه که دندو باهی لیخ، سکعب ی ولو !تشاذگ حق دندرکی م تبحص ک ی ن یشا و دندمآ ی م آقا م وحرم ف اص ن شلد ن وچ، دندرکی م ا دیپ ل عم ق یفوت اهنآ و .دوب .دیدرگ مث ل آن آقا با دوجو نیا که یا ن ع لا م لا ی هها م تار امت ا ربو ه درک ت بحص ت اعس ک ی ا ر ن فشا ن حر دنتف ی مذ ا درف زا ب ت سا ه درک .دنگوینب .پ س ت فیوت ا ر هم خدا م ی دهد .بنبا ر یا ن هم ز ا ر ط ف خدا ت سا و هم ت فیوت عم ل ز ا ر ط ف خدا ت سا؛ ه ر دو ز ا ر ط ف خدا ت سا.

و ریصب ن مؤم ن یا هُطساوبه دنوادخ [1] ؛«هَرخلآا و ایندلا ریَخ َکلذِب هَلُ الله عمجَفَ»
.هب وا ه ب ار ت رخآ و ایند ریخ، قّفوم و ریبخ

ت، وکلم سرار م دوم د رد جلد ه دنب هّتبلا
خصوصیّات ولیّ اهلل ی ار عرض کرده ام،[2] و إنشاءالله
گر خدا نود توفیق به دهد، د رد جلد سوم سرار، ا ین

---

1. 458. ص ،2 ج ،ا جتجاح . الا
2. 432 _ 151 ص ،2 ج ،ت وکلم سرار ه ب دوشع وجر .

مهاوخ حیضوت ار ملاسلا هیلع یرکسع ماما ترابع
و [1]؟درک دیابه چ دوبن یهلا یلو ک یر گا لاح ه کداد
یلو ن دوبن ت روص رد ه کداد مهاوخ حیضوت لاصفم
ی ور ت سد دیابا یآ ؟درک دیابه چ یهلا ف راع و ل ماک
؟ه نا یت شاذگ ت سد

،دهدی م مهار ایند ریخ وا ه با دخ اجنیا رد لاح
ت حار ش نادجو و ت سا ت حار ش لایخ ایند رد ی نعی
ن لآ دندرک ار اهراک ن یا ت دمن یا ه کی یاهنآ .ت سا
ش اک ی ا ه کدنیوگ ی منا مئاد یآ ؟دنراد ی نادجو ه چ
!؟دننزی منت سد ی ور ت سد م الدم و !؟ش اک ی ا و
؛م یدنخ ی م ه کلب ،م ینزی منت سد ر وی دست اما م اما
چ ون جو دان ار حت سا ت ،ب ه خاط ر ایکه خ الف
ن یا ر ب دیاب س پ ،ت سا ه داد ق یفوت دخ ا .ت سا ه دکن
.درک ر کش ق یفوت

ی ملاع ر هو ی سک ر هو [2]؛«ةَرِخلآا َبا َذع و ا ینُدلا ی ف أَنعَلَ ُهَّللا أضَ نَم ی لَّعَ ُعَجَی و»
ه داد ه ولج ق ح ،درف ن یا ن ار ب ار ای ل طاب و دوب ه تشاذگ ه هبش رد رد ار درف ن یا ل احب ا ت ه ک
!درک دهاوخ ش بیصن ار ت رخآ ب اذع و ا ینب رد ا ینعل دنوادخ ،دوب

ت نعل ار اهنا دنرادن یا ه کم ینیبی م ا ینب ن یمه رد الذ
ش تنعل ا دخ :دنیوگ ی م ی لو ،ه دناه دزمن ز ونه !دننک ی م

---

1. ج 3، ص 203 ـ 282. ت وکلم رارسا ه ب دوشع وجر .
2. ج 2، ص 456 ـ 458. الاحتجا ج، .

هچ نیا !دنک شتنعل ادخ ؛دوب یمدآ بجع !دنک
ایند نیا رد مه ادخ !دنک شتنعل ادخ ؛درک ییاهراک
فصن ًالصا هک ترخآ رد مه و دهدیم ار شیازس
یمدییامرفب هک دنتسه ناشیا مودق رظتنم و دناهدیشک
و یصاصتخا یلیخ ییاریذپ کی یلاعبانج زا میهاوخ
!میشاب هتشاد ینانچنآ

ﷲاءاشنإ و میدرک ضرع ار تیاور نیا
قیفوت دنوادخ ،کرابم زور نیا رد هک میراودیما
دیاب ار تارابع نیا .دهدب ار تارابع نیا تّیقادصم
نیا همئا نیا .داد رارق لزانم رد و تشون ولبات رد
دیاب ام !دنامب اههناخباتک رد هک دناهدزن ار اهفرح
.دشاب ناممشچ یولج زور ره ات مینک ولبات ار اهنیا
رگا یتح ،زور ره ام رگا ار یرکسع ماما ملاک نیمه
یمذ یروطچیه ایآ ،مینک هاگن ،نایم رد هتفه کی
مک ناکت نیا ًادعب ؟میروخیم یناکت هکنیا ای ؟میوش
ار شدوخ راک ﷲاءاشنإ هکنیا ات دوشیم دایز مک
مه و ملاع هب تبسن مه میراودیما .دهدیم ماجنا
نیا تّیقادصم قیفوت دنوادخ ،مّلعتم هب تبسن
.دروایب دوجوهب همه یارب ار میهافم نیا و تارابع

رهرد نامز ماما تیالو روضح ساسحا موزل

طقفت لالدت) چون عالدت مجنی دلایم زورما

قحی مجنم و (دنکیم الدیپ تاجت رضح ۀطۀواسطهب

ست، مجنی حقیقت، مجنی حیات، دنمدۀ روح

حیات برکلبدمردۀ ام، امروز زور زمان امام

علیه السلام ست.

مرحوم آقای حدّاد ـ رضوان الله علیه ـ به بنده

:مفرمودند

راوید هب شهاگن هکنیا زا لبق و دوش دنلب اوخ زا زور هک یمشچ نآ تسا روک
[1] !دتفیش نامز هام هب دتفیب

یعنی تو دارب هی ن یدواز گاهم کنی، اما شقی

روضح ا، هک از ین یدوا ر در هذ ن تو ترسیم م یوشد،

ت یلاو نامه ی نعی :دوشی م م اجنا راک ن یا درادّ ی لو

ت، سا هدمآرد م شچ ک لپ ن دشزابت روصهب هک ت سا

هدمآرد غارچ رون ت روصهب هک ت سا ت یلاو نامه

اجنیا رد ریوصتن یا هک ت سا ت یلاو نامه و ت سا

ت. سا ت یلاو ن آ روهظ اهنیا ۀمه !دنبی م ش قذ

!ی لع ۀعیش دنوشی م اهنیا !دنتخانش ار م اما اهنیا

!ن امز م اما ۀعیش دنوشی م اهنیا

---

1. 513 ص ،دّرجم حور ؛34 ص ،3 ج ،ی سانش م اما .

!دنادیم نامز ماما هک تسین انعم نیا هب تیلاو
تسا نامز ماما یاربگنذ نیا ًلاصا !دنناد‌یم اهیلیخ
یاربگنذ نیا !دراد بیغ ملع نامز ماما مییوگب هک
،دنکیم فّرصت نامز ماما مییوگب هک تسا نامز ماما
!دنادرگیمرب ار دیشروخ و دنکیم فصن ود ار هام
مهرگید یاهیلیخو [1]درکیم ار اهراک نیا مهفصآ
[2]!دننکب ار اهراک نیا دنناوتیم

سفن هک تسا انعم نیا هب نامز ماما تیلاو
.تسا تیلاو نامه یجراخ نایعا و ءایشا روضح
تّیوه هب تّیهام قّقحت سفن !تسا نامز ماما نیا
بیغ ملع .تسا تیلاو روهظ نامه ناشیجراخ
باتکاقآ تقونآ !؟تسیچ اهفرح نیا !؟تسیچ
یم ماما ؟درادن ای دراد بیغ ملع ماما هکدسیونیم
یم هچ اهنیا ،دنیوگیم هچ افرع ؟دنادیمن ای دناد
هب ار شبلق میناوتیم ار ماما نیا تقونآ !دنیوگ
دیاب !؟میتسه ماما ام هک مییوگب و میهدب نامدوخ
!میشکب تلاجخ و میزادنیب نییاپ ار نامرس

---

[1] .202 ص ،1 ج ،هیقفلا هرضحیلا نم ؛234 ص ،2 ج ،یمقلا ریسفت .

[2] ،1 ج ،هیقفلا هرضحیلا نم :میراد زیذنونبعشویهبعجار تایاور رد .
.385 ص ،2 ج ،داشرلإا ؛213 ص

إنشاءالله امیدوارم که خداوند به برکت این
مولود، همهٔ ما را در پناه ولایتش به معرفت واقعی
اش که مورد نظر اولیای خدا است برسانند، و ما را به
واسطهٔ وظیفهٔ خطیری که بر عهده داریم، موفّق
بدارد بر اینکه فقط و فقط در صراط و مسیر آن
بزرگوار حرکت کنیم، و چشم ما را از همه جا ببندد
و فقط و فقط بر همان نقطهٔ وجود نازنین و
مقدّس معطوف بدارد.

اللهَمّ صلِّ علیٰ محمدٍ و آلِ محمد